

گناهان بزرگ را نسبی کنند کسه بسزگان در اینگونه مسائل ساکت میمانند. خداوند انشا الله به همه ما توفیق بدهد که در هر شرایطی از اسلام و از علم و دانش و حق و حوزها دفاع کنیم و السلام علیکم ورحمته و برکاته

پیوست شماره ۲۱۷: نامه معظمه به نمایندگان مجلس شورای اسلامی در مخالفت با استقراض خارجی، مورخه ۶۸/۱۰/۸

بسم الله الرحمن الرحيم

توسط ریاست محترم مجلس شورای اسلامی جناب حجت الاسلام آقای کروی دامت فاضلته حضرات آقایان نمایندگان محترم مجلس شورای اسلامی ایران دامت توفیقاتهم پس از سلام و تحییت، با اینکه با داشتن مطالب گفتنی زیاد در شرائط فعلی تصمیم بر ادامه سکوت داشتم ولی چون سکوت در مسائل مهمی که به سرنوشت انقلاب و نظام و کشور مربوط است نزد خدا و وجدان و ملت عزیز ما گناهی است نابخشودنی، ناچار شدم نکاتی را راجع به مساله استقراض خارجی که در این روزها مطرح است تذکر دهم. فی السائل (ج ۱۳ ص ۷۷): (قال رسول الله (ص): (یاکم والذین فانه شین الذین) و قال علی (ع): (یاکم والذین فانه هم باللیل و ذل بالنهار).

موضوع استقراض خارجی از طرفی با حیثیت جهانی و ارزشهای اصولی انقلاب که تاکنون در راه آنها صدها هزار شهید و معلول و مجروح و اسیر داده ایم مخالف است، و از طرف دیگر از جمله مسائل مهمی بود که در آخرین زیارت ما از حضرت امام طاب ثراه مطرح نمودم، لذا لازم دانستم توجه نمایندگان محترم ملت را به عواقب منفی و ذلت ساز آن جلب نمایم. شما می دانید که دولتهای استعمارگر غرب و شرق که معمولاً کلید قرض دادنها و سرمایه گذاریهای خارجی به دست آنهاست هیچ گاه خیر و صلاح ملت ما و رشد و شکوفائی اقتصاد ما و جهان سوم را نمی خواهند، آنچه برای آنها مهم است وابستگی اقتصادی ما و به دنبال آن وابستگی فرهنگی و سیاسی و بی آبرو کردن انقلاب و نظام اسلامی در جهان سوم و نزد ملت های محروم و مستضعفی است که چشم امید به انقلاب اسلامی ما دوخته اند.

آنان هر چند در مساله استقراض و یا سرمایه گذاری خارجی ظاهراً قیافه دوستی و خیرخواهی به خود می گیرند، ولی ما نباید با ساده لوحی و خوش باوری برخورد نمایم، اگر جاذبه معنوی و حیثیت جهانی انقلاب ما را گرفتند در حقیقت تیر خلاصی را به انقلاب و ارزشهای آن زدند. برای بازسازی کشور خرید تکنولوژی و مغزهای متخصص لدی لاحتیاج به مراتب مفیدتر از استقراض و سرمایه گذاریهای خارجی است. شما در جهان سوم کدام کشور را سراغ دارید که گرفتار استقراض شده باشد و توانسته باشد استقلال سیاسی و فرهنگی خود را حفظ کند و یا از زیارت قرض نجات یابد؟ استقراض خارجی وابسته کردن نسل آتی کشور است و آنان هر چه لعن و نفرین داشته باشند نثار نمایندگانی می کنند که تصویب کنندگان این قبیل طرحها بوده اند. اینجانب در آخرین دیدارم با رهبر فقید انقلاب حضرت امام قدس سره الشریف به پاره ای از عوارض اسارت ساز استقراض خارجی اشاره کردم و گفتم معنی استقراض خارجی زیر گذاشتن همه ارزشها و شعارهای ده ساله است و ملت مسلمان و مقاوم ایران حاضر است گرسنگی بخورد وزیر بار ذلت نرود. حضرت امام فرمودند: آقای موسوی هم با استقراض مخالف است، و دو روز بعد از بیعت ایشان به من پیغام داده شد که حضرت امام فرمودند حق با فلانی است و بگوئید آقایان زیر بار استقراض نروند. البته مسئولین محترم ناچار می شوند در بعضی از برنامه ها تجدید نظر کنند و از بعضی کارهای تکراری و شعاری بکاهند و به ملت و سرمایه های داخلی بها و امنیت و فرصت فعالیت بیشتری بدهند. خداوند به همه ما توفیق خدمت به اسلام و انقلاب و کشور و صبر و بردباری در بلاها و کمبودها و خلوص نیت در کارها عنایت فرماید و السلام علیکم ورحمته و برکاته

۱۳۶۸/۱۰/۸

حسینعلی منتظری

پیوست شماره ۲۱۸: متن بیانات معظمه در ارتباط با مساله استقراض خارجی، مورخه ۱۳۶۸/۱۰/۱۱

السلام علیکم جمیعاً ورحمته و برکاته

اعوذ بالله من الشیطان الرجیم

بسم الله الرحمن الرحيم و به نستعین

کنتم خیر امه اخرجت للناس تاملون بالمعروف و تنهون عن المنکر  
اولاً به شما برادران و خواهران که از شهرستان انقلابی نجف آباد که پیشقدم در انقلاب و پیشقدم در جنبه ها بوده است و استقامت خودش را در همه مراحل حفظ کرده است و از سایر برادران و خواهرانی که از جاهای دیگر تشریف آورده اند، شهادت بی بی عالم حضرت زهرا (س) را تسلیم می گویم. امروز بر حسب روایتی که از امام ششم، امام صادق (ع) رسیده وفات حضرت زهرا که باید تعبیر به شهادت کرد می باشد. تعبیر روایت امام صادق (ع) این است: "نوکان ذلک لثلاث خلون من جمادی الاخری". در روز وفات حضرت زهرا (س) اختلاف است، چند روز را گفتند، اما آنکه سند خوب دارد و تصریح هم شده است همین امروز است که سوم جمادی الاخری است. خداوند انشا الله به من و شما برادران و خواهران توفیق بدهد که همیشه پیرو دستورات پسر زهرا و حضرت زهرا و شوهر زهرا و فرزندان زهرا باشیم، انشا الله، و در قیامت خداوند دست ما را از دامان ایسن بسزگواران کوتاه فرماید. خدایا همه اینها که اینجا هستند عاشقان حضرت زهرا هستند، تو را قسم می دهیم بحق حضرت زهرا (س) کفر و اجانب را از سر کشورهای اسلامی بر طرف بفرما (آمین حضار) و راه کریلا و مکمعه را با نابودی صدام و آل سعود بر همه دوستداران اهلیت باز بفرما (آمین حضار).

حضرت زهرا (س) خطبه مفصلی دارند که در مسجد مدینه و در حضور خلیفه اولی ایراد فرموده اند و آن خطبه خیلی طولانی است. حضرت در ضمن خطبه فرمایشاتی راجع به نماز و ارکان دین و شروع مهمه دین از جمله نماز و روزه و... دارند، تا می رسد به امر به

معروف و نهی از منکر عبارت حضرت زهرا (س) این است: "فجعل الله الايمان تطهيرا لكم من الشرك"، خطبه خیلی مفصل است. می فرماید: خدا ایمان را وسیله پاکیزگی شما از شرک قرار داده است، "و الصلوة تنزيها لكم عن الكبر" خدا نماز را قرار داده برای اینکه شما را منزّه کند از کبر و بزرگ فروشی. وقتی که انسان در مقابل خدا به خاک می افتد این معنایش این است که من کسی نیستم. حتی پیغمبر اکرم (ص) هم باید به خاک بیفتد، امه هم به خاک بیفتند، همه بندگان خدا در مقابل خدا باید خاضع باشند. آن وقت حضرت ادامه می دهند تا اینکه می فرمایند "والامر بالمعروف والنهي عن المنكر مصلحه للعامة"، خداوند امر به معروف و نهی از منکر را واجب کرده، برای چی؟ برای مصلحت اجتماع، معنایش این است که دین اسلام فقط یک وظایف شخصی نیست، که انسان یک نمازی برای خدا بخواند دیگر کار به جامعه نداشته باشد. دین مقدس اسلام همین طور که وظایف فردی تشریح کرده وظایف اجتماعی هم تشریح کرده است. قرآن کریم هم می فرماید: "كنتم خير امه اخرجت للناس" شما مسلمانها بهترین امت هستید که در روی زمین آمدید، چرا؟ برای اینکه شما این قدر رشد دارید این قدر قدر دارید که علاوه بر وظایف شخصی، خدا یک وظیفه اجتماعی مهم هم به عهده شما گذاشته است. هر یک از ما، مرد باشد یا زن، معمم باشد یا کلاهی، کشاورز باشد یا کاسب، هر کس می خواهد باشد، حتی خانها، بخصوص خانها را هم خدا اسم برده، در سوره توره دارد: "والمؤمنون و المؤمنات بعضهم اوليا بعض يامرون بالمعروف وينهون عن المنكر" یعنی همه زنهاي مومننه، همه مردهاي مومن اينها ولي هستند نسبت به يكديگر، يك نحوولايته دارند، يك نحوه تسلطی دارند، منتها مقدار تسلطشان این است که امر به معروف و نهی از منکر کنند. پس این یک وظیفه ایست که فقط مال آخوند نیست، مال همه جامعه است. در جامعه هر فردی جلوی انحرافات را به اندازه قوتش باید بگیرد، هر فردی مصالح جامعه را به اندازه قوتش باید گوشزد کند، تا می تواند به نحو اثبات جلوی مفساد را بگیرد، حتی اگر یک وقت نتوانست باید مبارزه منفی بکند. ببینید این حضرت زهرا (س) که ما این همه برایش مجالس برپا می داریم، اصلا این برپا داشتن مجالس برای این است که یاد بگیریم و برای ما درس باشد، حضرت زهرا تشریف می آورند در مسجد مدینه، خطبه غرایب می خوانند و مصالح اسلام را می گویند و از امیرالمومنین (ع) دفاع می کنند به مردم نسبت به کاری که انجام داده اند و این امیرالمومنین که این همه پیغمبر در غدیر خم و در مقاطع مختلف به عنوان خلیفه خودش معین کرده بود، حالا امیرالمومنین را از صحنه سیاست کنار زدند، حضرت زهرا (س) سبب مسجد دفاع می کند از امیرالمومنین، بعدا وقتی که دید به صحبتها آن طور که باید ترتیب اثر داده بشود، از باب اینکه "الناس عبید الدنیا و الدنیا لعن علی السنتهم" مردم نوعا طالب دنیا هستند، مولا امیرالمومنین (ع) که نهج البلاغه می فرماید: "و انما الناس مع الملوك و الدنيا، الا من عصم الله" مردم همه با پادشاهان و با قدرتمندان دنیا هستند مگر کسی که خدا حفظش کند. خوب حضرت زهرا از راه مبارزه مثبت وارد شد و خطبه را خواند و بعد مبارزه منفی چه مبارزه منفی که اثرش تا روز قیامت باقی است. الان از یک میلیارد مسلمان دنیا بپرسید که خوب مگر حضرت زهرا دختر پیغمبر نبود؟ می گویند چرا، مگر آیه تطهیر در شأنش نازل نشده؟ چرا، مگر پیغمبر در مباحله فاطمه زهرا را نیاورد؟ چرا، مگر پیغمبر فرمود: "فاطمه بضعمنی"، فاطمه پیاره تن من است؟ چرا، خوب پس قبر حضرت زهرا کجاست؟ اگر مردم از حضرت زهرا تشییع کرده بودند همه، خوب دیده بودند کجا دفن می شود. حضرت زهرا وصیت می کند، وقتی مولا امیرالمومنین تشریف آوردند از مسجد، دیدند رقعهای زیر سر حضرت زهراست، معلوم می شود نوشته بوده، حضرت یا خودش خط داشته یا گفته نوشته اند، مرا شب غسل بده، مرا شب کفن کن و شب دفن کن، تشییع جنازه نکن، نمی خواهم آنانی که به من ظلم کرده اند در تشییع من، در مراسم دفن من حاضر شوند. خوب این مبارزه منفی. الان به یک میلیارد مسلمان بگو خوب شما قبول دارید که حضرت زهرا دختر پیغمبر بوده، این همه سفارش راجع به او شده، کس قبرش؟ چرا شب دفن شده؟ چرا گفت شب دفن کند؟ معلوم می شود ناراحت بوده از حکومت، معلوم می شود ناراضی بوده از آنهایی که به جای پیغمبر اکرم نشسته اند، اگر همه چیزها را جواب دهند این را جواب ندارند بدهند. هر کس از صحابه، از اصحاب، قبر معینی دارد، چطور قبر حضرت زهرا نامعلوم است؟ چطور مجهول است؟ این را می گویند مبارزه منفی، یعنی یک کاری کرد که تا روز قیامت بفهماند که از رفتار اینهایی که به دروغ خودشان را جانشین پیغمبر اکرم (ص) قلمداد کردند از دست اینها ناراضی است، همین نهی از منکر است. امر به معروف و نهی از منکر یک وقت به نحو مثبت است، یک وقت مبارزه منفی است. حضرت زهرا (س) در آن وقت می فرمایند: "والامر بالمعروف والنهي عن المنكر مصلحه للعامة" این برای مصلحت عمومی است، برای مصلحت جامعه است، یعنی همه افراد باید مصالح جامعه را در نظر بگیرند، منحصر به آخوند و زید و عمرو، سیاسی و غیرسیاسی نیست، مسائل اسلام فقط نماز و روزه نیست، مسائل سیاسی اسلام، مسائل اقتصادی اسلام، اینها همه مسائل اسلام است، و لذا در همه مسائل اسلام افراد حق اظهار نظر دارند، اگر منکری باشد باید جلویش را بگیرند.

حالا روی این اصل من طلبه از باب اینکه یکی از افراد مسلمان جامعه هستم وظیفه ام است اگر چنانچه مسائلی را دیدم تذکر بدهم. شماری ادران و خواهران می دانید که با این همه سوابقی که من در انقلاب داشتم و تا حالا این را نگفتم، ولی حالا می گویم، من دوم شخص انقلاب بودم (تکبیر حضار) اول شخص انقلاب حضرت امام قدس سره بودند و دوم شخص انقلاب من بودم. با اینکه تعریف از خود درست نیست، آن وقتی که من در انقلاب فعالیت داشتم و همین طور فرزند شهید من (گریه حضار) بعضی از کسانی که الان بستهای حساسی دارند ما را مسخره می کردند می گفتند: شما دیوانه ای که اعلامیه چاپ می کنید علیه شاه، مگر می شود با شاه مبارزه کرد، در آن وقت ما پرچمدار انقلاب بودیم، زندانهایش را رفتیم کتکهایش را خوردیم، بر هیچ کس هم منت ندارم، برای خدا کردم، اجر ما هم از خدا می خواهم، چون نسبت به انقلاب از پایه گذاران انقلاب بودم اگر اشتباهی دیدم باید تذکر بدهم.

دیدید شما در روزنامهها، در مجلس، در دانشگاهها به وسیله جزوهها اکاذیبی علیه من پخش کردند، تسویه کردند، دروغ شادخار نوشتند (گریه حضار) من به خاطر حفظ وحدت و حفظ اصل انقلاب و اینکه دشمنان خارجی و منافقین نتوانند سو استفاده کنند سکوت کردم و به سکوت خودم ادامه دادم، فقط به خاطر خدا (گریه حضار) اکاذیبی که به صورت جزوه پخش

کردند، در روزنامهها چاپ کردند، البته کسانی هم به آنها جواب داده‌اند، چند نفر من سراغ دارم بر آنها جواب مستدل به صورت کتاب نوشته‌اند و من تا حال از پخشش جلوگیری کرده‌ام به خاطر حفظ وحدت و حفظ انقلاب، خیال نکنند جواب نداشته‌جاواب داده شده است. البته من خودم فرصت ندارم ولی کسانی نوشته‌اند.

اما امروز که من عنوان می‌کنم برای اینکه مسالهای اتفاق افتاده، پس من به عنوان دفاع از خودم تا حالا هیچ نگفتم، سکوت کردم، امکانات را هم از من گرفتند، من امکانات نداشتم، آنها روزنامه داشتند، هر چه می‌خواستند گفتند. شما یادتان هست سال قبل در ۲۲ بهمن من در همین حسینیه گفتم: رادیو و تلویزیون ایران و روزنامهها کی گفته است که در اختیار دوسنفر باشد؟ مال همه ملت است، چطور هر کس هر چه خواست توی روزنامه نوشت حتی علیه شخص من، و من طلبه حتی تسلیت برای وفات پدرم دادم به روزنامهها و گفتند چاپ نمی‌کنیم (گریمحضر) این چرا؟ خوب اینها شده، عرض کردم من برای دفاع از خودم تا حالا سکوت کردم. اما مسالهای اتفاق افتاده و آن مساله اینکه: شما برادران یادتان است که یک وقت در زمان شاه خائن، شاه مسنفر از آمریکا ۲۰۰ میلیون دلار می‌خواست قرض بکند، مساله کاپیتولاسیون آمد مرحوم حضرت امام مبارزه کردند، قیام کردند، و می‌شود بگویید انقلاب ما از آن وقت اوج گرفت. مساله کاپیتولاسیون شاه می‌خواست ۲۰۰ میلیون دلار از آمریکا قرض کند. به خاطر این مساله، حضرت امام مبارزه کردند، فرمودند قرض کردن از کشور خارجی، آن هم نزولش را بدهی این فروختن اسلام و کشور است و آن سخنرانی عجیب را ایشان کردند. بعد از آن بلز در زمان شاه خائن ۳۵ نفر از سرمایه‌داران آمریکایی خواستند در ایران سرمایه‌گذاری کنند و روزنامهها هم همه نوشتند، آن وقت حضرت امام ایران نبودند یا ترکیه بودند یا نجف، حالا تاریخش من یادم نیست، از بی اختیاق بود و نمی‌شد کاری کرد یک اعلامیه علیه سرمایه‌گذاری آمریکاییها در منزل من در خاکرج تهیه شد، من و مرحوم آیتالله ربانی که تصادف کرد و از دنیا رفت، خداوند انشا الله درجاتش را عالی کند (آمین حاضر) نشستیم یک اعلامیه تایی تنظیم کردیم تا حالا هیچ جا منعکس نشده و بی‌امضا به اسم حوزه علمیه منتشر کردیم، نمی‌شد امضا کرد، به یک زحمتی آن را پللی کپی کردیم و پخش کردیم. مرحوم آیتالله سعیدی از تهران آمد قم خانه ما در خاکرج، گفت این اعلامیه شما خیلی اعلامیه خوبی بود اما جیف که بی‌امضاست، بیایید امضا کنید. گفتم آقای سعیدی، من آدم ترسو نیستم ولی من تنهایی امضا بکنم اثرش کم است، شما برو سنفرد دیگر امثال آقای مشکینی و دیگران، اسم بردم، برو سنفرد دیگر را پیدا کن حاضر بشوند امضا کنند من هم یکی، ما ده تایی امضای کنیم پخش می‌کنیم. عرض کردم آن وقت مرحوم حضرت امام در ایران نبودند. مرحوم آقای سعیدی از خانه ما رفت دنبال این کار، یک وقت هم شنیدم مرحوم آقای سعیدی خودش برداشته یک چیزی نوشته است به عنوان سرمایه‌گذاری آمریکاییها و برای شخصیتها فرستاده بازداشتش کردند، در زندان هم شهیدش کردند. یعنی شهادت مرحوم آیتالله سعیدی روی سرمایه‌گذاری آمریکاییها بود، که خارجیها می‌خواستند سرمایه‌گذاری کنند توی ایران. این را هیچ کس شاید به این خصوصیت اطلاع ندارد و من برای شما الان عرض کردم. این حوادثی بوده است که شما جلوتر خبر نداشتید.

شما می‌دانید من رئیس خیرگان قانون اساسی بودم و مرحوم آیتالله بهشتی هم به عنوان معاون بود، قانون اساسی چاپ شده، بروید ببینید اصل ۸۱ قانون اساسی می‌گوید: دادن امتیاز تشکیل شرکتها و موسسات در امور تجاری و صنعتی و کشاورزی و معادن و خدمات به خارجیان مطلقا ممنوع است. یعنی ایران حق ندارد به خارجیان حتی امتیاز خدمات هم بدهد، امتیاز شرکت و تجارت و اینها حق ندارد بدهد، این هم اصل ۸۱ قانون اساسی. حالا اخیرا کسانی که روزنامه خوانده‌اید واقفید، در روزنامههای همین روزها در مورد برنامه پنج‌ساله بوده است، کسی با برنامه مخالف نیست، البته برنامه باید باشد برای بودجه کشور. به عنوان برنامه پنج‌ساله کشور آمده‌اند یک چیزهایی را قطار کرده‌اند و قسمتهایی از آن را توی مجلس تصویب کرده‌اند و از روزنامهها هر کس خوانده می‌بیند توی خود مجلس جنجال بوده است، اختلاف درش بوده، شاید این قسمتهایش به یک آرا خیلی کمی، حالا من نمی‌دانم در چه شرایطی نمایندها بعضی هاشان تصویب کردند. در تبصره ۲۹ آن، همین چیزی که گزارش کمیسیون برنامه و بودجه مجلس است، از جمله چیزهایی که دارد عقد قرارداد با پیمانکاران خارجی است. این خلاف نص صریح قانون اساسی است. بعد در آن درآمد فرضی خیالی برای کشور تنظیم شده است، حدود ۱۲۰ میلیارد دلار ارز، یعنی ارزش خارجی، یعنی در ۵ سال هر سالی ۲۴ میلیارد دلار درآمد ما باشد، در صورتی که همین الان همه درآمد ارزی ما از نفت و گاز و صادرات و همه راکه روی هم بریزیم به ۱۲ میلیارد دلار معلوم نیست برسد، یعنی به نصفش. آن وقت در آن چیزهایی به عنوان استقراض خارجی، قرضه خارجی البته تعبیر به تعهد کرده آنجا، تعبیر به استقراض نکرده، تعبیر به تعهد خارجی، یعنی صحبت کنند با خارجیها، پول آزشون قرض کنند، بیایند سرمایه‌گذاری کنند، خوب کسی بدهد؟ پنج سال، پنج تا دوازده تا می‌شود ۶۰ میلیارد دلار، ۶۰ میلیارد دلار داریم، ۱۲۰ میلیارد دلار برنامه‌ریزی کنیم و برای باقی آن، زمینه خالی است یعنی قرض کنیم. آیسندگان دندشان نرم شود برای اینکه بچه‌های ما هستند جور مارا بکشند کدام کشوری را ما سراغ داریم که زیر بار قرض خارجی رفته باشد و توانسته باشد بعد این قرضها را بدهد، در آخرین ملاقاتی که با مرحوم حضرت امام طاب‌ثراه داشتم فرزند ایشان هم شاهد است، آنجا بودند، خدمت ایشان عرض کردم آقا این استقراض خارجی که الان در مجلس صحبت و زمره‌معت است این به ضرر کشور است، این زیر پا گذاشتن همه شعارهای ده‌ساله است، این همه ما گفتیم استقلال، اگر ما از نظر اقتصاد وابسته به خارج شدیم استقلال فرهنگیمان هم از دست می‌رود، استقلال سیاسی هم از دست می‌رود، فقیر می‌شویم، وابسته می‌شویم، ایشان آن وقت تقریبا تصدیق کردند. بعد از دو روز پیغام دادند تلفن کرده بودند به منزل ما که حضرت امام فرمودند حق با فلانی است بگویید نکنند، این چیزی است که در آخرین ملاقاتم با ایشان اتفاق افتاد. حدیث برایتان بخوانم، در وسائل‌الشیعه جلد ۱۳ کتاب دین صفحه ۷۷ از پیغمبر اکرم (ص) نقل شده است، قال رسول الله (ص): «یاکم والدین فانه شین الدین» مبادا زیر بار قرض بروید، دینتان را بساخته‌اید، دینتان را عیب دار کرده‌اید. برای اینکه قرض یعنی ذلت و قال علی (ع): «یاکم والدین فانه هم باللیل و ذل بالنهار» زیر بار قرض نروید، بیهیزید از قرض، شب غصه داری برای قرض و روز هم موجب ذلت است. این در صورتی است که از یک خودی قرض کنی، حالا اگر از خارج قرض

کنید، خارجی‌ها که فکر من و شما نیستند، مسلمان از کافر قرض کنند زولش را بدهد. نزول بدهیم به کفار لابد کفار قریب‌اللی‌الله می‌آیند توی کشور ما سرمایه‌گذاری می‌کنند؟ لابد قریب‌اللی‌الله می‌آیند به ما قرض می‌دهند؟ این طوره؟ یا نه می‌آیند کشور را وابسته می‌کنند، من مطالبی که می‌خواستم بگویم یک مقداری گفتم و اینجا چند خطی نوشتیم برای اینکه بخوانم برای شما: موضوع استقراض خارجی از طرفی با حیثیت جهانی و ارزشهای اصولی انقلاب که تاکنون در راه آنها صدها هزار شهید و معلول و مجروح و اسیر داده‌ایم مخالف است (تکبیر حصار) از طرف دیگر از جمله مسائل مهمی بود که در آخرین زیارت از حضرت امام طاب‌ثراه مطرح نمودم، شما می‌دانید که دولتهای استعمارگر غرب و شرق که معمولاً کلید قرض دادنها و سرمایه‌گذاریهای خارجی به دست آنهاست، هیچ گام‌خیز و صلاح ملت ما و رشد و شکوفایی اقتصاد ما و جهان سوم را نمی‌خواهند، آنچه برای آنها مهم است وابستگی اقتصادی ما و به دنبال آن وابستگی فرهنگی و سیاسی و بی‌آبرو کردن انقلاب و نظام اسلامی در جهان سوم و نزد ملت‌های محروم و مستضعفی است که چشم امید بدانقلاب اسلامی ما دوخته‌اند. آنان هر چند در مساله استقراض و یا سرمایه‌گذاری خارجی ظاهراً قیافه دوستی و خیرخواهی به خود می‌گیرند ولی ما نباید با سادگی و خوش‌سازوری برخورد نماییم. اگر جاذبه معنوی و حیثیت جهانی انقلاب ما را گرفتند در حقیقت تیر خلاصی را به انقلاب و ارزشهای آن زدند. برای بازسازی کشور حالا یک وقت ناچاریم تکنولوژی را بخریم به اندازه ضرورت، متخصصین از آنها بیاوریم استخدام کنیم، که نسوکرمان باشند، حقوق برمان باشند، نه اینکه بیایند سرمایه‌گذاری کنند یا قرض کنیم که آقا بالا سر باشند. برای بازسازی کشور خرید تکنولوژی و مغزهای متخصص لایزالاحتیاج به مراتب مفیدتر از استقراض و سرمایه‌گذاریهای خارجی است. الان ببینید آرژانتین، برزیل، این کشورهایی که گرفتار قرض شده‌اند روز به روز نزولش را هم نمی‌توانند بدهند، هر روز بوز کمرشان خنجر می‌شود. شما در جهان سوم کدام کشور را سراغ دارید که گرفتار استقراض شده باشد و توانسته باشد استقلال سیاسی و فرهنگی خود را حفظ کند و یا از زیر بار قرض نجات یافته باشد؟ استقراض خارجی وابسته کردن نسل آتی کشور است و آنان هر چه لعن و نفرین داشته باشند نسل نمایندگان می‌کنند که تصویب کنندگان این قبیل طرحها بوده‌اند. آینده این جور است، شما الان دارید به زمان شاه لعن می‌کنید، نکنید یک کاری که آیندگان هم بیایند ما را لعن کنند. اینجانب در آخرین دیدارم با رهبر فقید انقلاب حضرت امام‌قدس سره‌الشریف به پاره‌ای از عوارض اسارت بار استقراض خارجی اشاره کردم و گفتم معنی استقراض خارجی زیر پا گذاشتن همه ارزشها و شعارهای دهساله است و ملت مسلمان و مقاوم ایران حاضر است گرسنگی بخورد و زیر بار ذلت نرود (تکبیر حصار). حضرت امام فرمودند: آقای موسوی نخست‌وزیر وقت هم با استقراض مخالف است، و دو روز بعد از بیت ایشان به من پیغام داده شد که حضرت امام فرموده‌اند حق با فلاسی است و بگوئید آقایان زیر بار استقراض نروند. البته مسئولین محترم ناچار می‌شوند در بعضی از برنامه‌ها تجدیدنظر کنند و از بعضی از کارهای تکراری و شعاری بکاهند و به ملت و سرمایه‌های داخلی بها و امنیت و فرصت فعالیت بیشتری بدهند.

باید یک کاری کرد که مردم دلگرم شوند، پولشان را بیاورند برای بازسازی، برای سرمایه‌گذاری، شعار نباشد، مردم باورشان بیاید، اطمینان پیداکنند، از متخصصین داخلی استفاده کنیم، از سرمایه‌ها استفاده کنیم، از دو میلیون ایرانی که آواره‌اند، خیلی‌شان اینها ضداقلاب نیستند می‌ترسند بیایند توی کشور، دعوت کنیم بیایند در بازسازی کشور کمک کنند.

عسلی‌ای حال من عرض کردم با اینکه برای دفاع از خود امکانات در اختیار من نبود ولی می‌توانستم حرف بزنم، اما برای حفظ وحدت و حفظ انقلاب که خودم از پایه‌گذاران انقلاب بودم سکوت کردم، حالا متأسفانه یک عده شده‌اند صد درصد انقلابی و به قول آنها ما شدیدضداقلاب، دلم می‌سوزد برای این انقلاب که این همه شهید در این راه داده شد، من فرزندم در این راه رفته، نوام در این راه رفته، شاهر کدام چند تا شهید داده‌اید، اگر خدای ناکرده ما گرفتار خارجها شیم، از نظر اقتصادی وابسته شیم، دیگر فاتحه کشورمان خوانده است. لذا من وجدانا پیش خدا و ملت مستولم با اینکه صدای من الان به جایی نمی‌رسد، امکانات در اختیار دیگران است، مجلس هم حالا در چشرباطی تصویب کرده نمی‌دانم، شاید این گفته من به گوش شورای نگهبان برسد، اقلاً شورای نگهبان حضرات آقایانی که آنجا هستند، آنها در این چیزها تجدیدنظر نکنند، شورای نگهبان و طیف‌عاش هست چیزهایی را که خلاف قانون اساسی یا خلاف استقلال کشور است جلوش را بگیرد، ۲۰۰ میلیون دلار را حضرت امام فرمودند معنایش فروختن کشور است، آن وقت الان شاید حدود ۳۰ میلیارد دلار یا بیشتر بشود. از ۱۲۰ میلیارد دلار، فوقش ما ۶۰ میلیارد دلار، ۷۰ میلیارد دلار درآمد داشته باشیم، باقیمانده آن هم‌عاش وابستگی است.

من برای رضای خدا برای دفاع از کشور این را گفتم. حالا استعمار می‌خواهد شرقی باشد می‌خواهد غربی باشد، می‌خواهد آمریکا باشد می‌خواهد غیر آمریکا باشد. آمریکا خارجی بود کشورهای دیگر هم خارجی‌اند، باید یک کاری بکنند مسئولین، بعضی خرجها را بزنند خرجهای تشریفاتی و شعاری و اینها را یک خرده کم کنند و با همانی که دارند با ملت هماهنگ بشوند، تحبیب کنند ملت را و با همانی که ملت خودش دارد کشور بازسازی بشود، می‌گوئید گرفتاریم، آن طور که گرفتارتر می‌شویم آن وقت آیندگان چه می‌گویند؟ می‌گویند خدا لعنت کند گذشتگان را، برای اینکه خرابیهایشان را آباد کنند قرض کردند، گردن ما گذاشتند، اینها می‌باید بدهند دیگر.

خدایا به حق محمد و آل محمد به من و به همه برادران و خواهران توفیق بده بتوانیم در مقاطع حساس از اسلام و انقلاب و کشور دفاع کنیم (آمین حصار) خدایا به حق محمد و آل محمد خدمتگزاران به دین و کشور را تایید فرما. کسانی که بر خلاف مصالح کشور اقدام می‌کنند، خارجیان و منافقین و کفار، شیشان را به خودشان برگردان. خدایا به حق محمد و آل محمد به ملت ایران، به ملت مسلمان ایران برکت و وسعت عنایت بفرما که نخواهند گرفتار خارجها بشوند. خدایا به حق محمد و آل محمد شهدای ما را با شهدای کریلا محشور فرما. به بازماندگان شهدا صبر و اجر عنایت بفرما. خدایا به حق محمد و آل محمد روح حضرت امام را شاد و خرسند بفرما. خدایا راه کریلا و عتبات عالیات و مکه مکرمه را به نابودی صدام و آل سعود باز بفرما. وحسنت کلمه بین مسلمانها ایجاد فرما. خدایا به حق محمد و آل محمد این حالت خودبینی را از ما برطرف بفرما. تعجیل در فرج امام‌زمان بفرما. والسلام علیکم جمیعاً و رحمة الله و برکاته

پیوست شماره ۲۱۹: بیانات معظمه در آغاز درس خارج فقه در توضیح برخی مسائل و زبان استقراض خارجی،  
مورخه ۱۳۶۸/۱۰/۱۶  
اعوذ بالله من الشیطان الرجیم

بسم الله الرحمن الرحيم

من هیچ مایل نبودم که جلسه درسمان، بحث فقهیمان را مشوب کنم به بعضی صحبتها، ولی بسا ضرورت اقتضا می کند که انسان چند دقیقه ای مزاحم شما باشد، امیدوارم که دیگر تکرار نشود و ناچار نباشیم وقت آقایان را بگیریم و جلسمان همان محض برای درس و بحث باشد، اگر یک ربعی مزاحمت می کنم از آقایان معذرت می خواهم.

اولا آقایان می دانند که روابط من با حضرت امام و با مسئولین محترم کشور که الان سر کار هستند از قدیم چه جور بوده، من هم شاگرد حضرت امام بودم هم نزدیک به ایشان بودم و هم به من علاقه داشتند، و یادم هست که مسائلی را که دیگران جرات نمی کردند به ایشان بگویند به من می گفتند و من با ایشان صحبت می کردم. حدود چهار سال قبل در جبهه یک جنگی شدیم، حال یادم نیست کدام عملیات بود، که صدام گفته بود ما چهار هزار نفر از ایرانیها را کشتیم و بعد بعضی مسئولین در مقابل گفته بودند نخیر، اصلا ما چهار هزار نفر بیشتر توی جبهه نداشتیم، برای اینکه می خواستند مثلاً یعنی جواب صدام را بدهند و فرماندهان جبهه که با ما زیاد مربوط بودند آمدند گفتند آخر این چه حرفی است زده شده، افرادی که تو جبهه بودند می گفتند آخر این خلاف واقع است. تصادفاً چنین گزارشی را به حضرت امام داده بودند و ایشان در یکی از سخنرانیهایشان فرموده بودند این خیلی انعکاسش در روحیه بچههایی که در جبهه بودند بد بود. آنها می گفتند چطور به حضرت امام گزارش غلط داده اند. من خدمت حضرت امام بودم و فرزند ایشان آقای حاج احمد آقا هم آنجا بودند، من خدمت ایشان عرض کردم که آقا گزارش آن جور که خدمت شما داده شده بود خلاف واقع بود و حضرتعالی هم فرمودید، فرمودند بله بد شد، گزارش اشتباه به من داده بودند، خود ایشان فرمودند. بعد من بر حسب اینکه همیشه تذکراتم را خدمت ایشان می دادم خدمت ایشان عرض کردم آقا حضرتعالی چون رهبر جهان اسلام هستید یک چنین اشتباهات کوچکی هم اگر بشود این بد است، خوب است حضرتعالی علاوه بر اینکه مسئولین محترم با شما تماس دارند یک افرادی را هم داشته باشید که خودتان به آنها اعتماد دارید.

اینها بیایند مثلاً ماهی یک مرتبه، دو ماه یک مرتبه مسائل جبههها، مسائل کشور را خدمت شما بگویند که اطلاعات حضرتعالی فقط از راه مسئولین نباشد، و حتی توی صفها (این تعبیراتی است که من به ایشان عرض کردم) حتی توی صفها مثلاً توی صفهای کوین، توی اتوبوسها، توی تاکسیها مردم حرفهایی می زنند، اینها به گوش حضرتعالی برسد خوب است، و بعد خدمت ایشان عرض کردم من دارم افرادی را به سهم خودم که می آیند گاهی از اوقات مطالبی را به من می گویند. حال انسان لازم نیست همه را بگوید صد درصد درست است، اما از راه دیگر هم آدم بشنود خوب است. من وقتی خدمت ایشان این را عرض کردم گفتم حتی آقای حاج احمد آقا هم نشناسد آنها را، من هم نشناسم، غیر خودتان هیچ کس نداند، اینها بیایند ماهی یک مرتبه، دو مرتبه و مسائل را بگویند. آقای حاج احمد آقا آنجا گفتند که امام، تعبیر به اینکه صرف نمی کند برایشان یا اینکه ایشان نمی توانند و مقنورشان نیست، یک چنین تعبیری، بیشتر به ذهنم می آید گفتند برای ایشان صرف نمی کند این جور رفت و آمدها، و به جای اینکه ایشان یک کسانی داشته باشند شما که حضرت امام خیلی به شما اعتماد دارد، این سخن مسائل را، شما که می گویند من کانالهای مختلف دارم، این سخن مسائل را ماهی یک مرتبه، دو ماه یک مرتبه خدمت ایشان بنویسید، هر چه هست بنویسید، شما هم که با ایشان رو در رو بایستی ندارید. من روی این اصل، جلوتر هم خدمت ایشان نامههایی می نوشتم، تذکراتی می دادم، اما از آن روز به بعد من زیاد خدمت ایشان نامه می نوشتم. حالا بعضی نامهها شاید مثلاً مذاق بعضیها یا خوش نیامده یا ناراحت شدند و بالاخره به اینجا رسید "آل الامر الی ما آل" که دیدیم بالاخره چی شد. ذهن ایشان بالاخره مشوب شد و بعد هم دیدید که در روزنامهها و توی دانشگاه و توی مجلس و دیدید روزنامهها هر چی بود و جزوها و این جور چیزها راجع به من نوشتند، و من خدا را گواه می گیرم با اینکه خیلی حرفها را دلیل متقن داشتم، استدلالهای متقن بر رد آنها داشتم، اشتباهاتی بود ولی من دیدم یک کلمه بگویم، رادیهوهای بیگانه و خلرچی و اینها سر استفاده می کنند و من شخصی فدای اصل نظام و انقلاب بشوم هیچ مانعی ندارد، بگذار هر چی می خواهند بگویند و بعد انشا الله حقایق ظاهر می شود و روشن می شود، خلاصه من حالت دفاعی به خودم نگرفتم، امکانات دفاعی هم نداشتم، برای اینکه چیزهایی که توی روزنامه نوشته شد، توی مجلس گفته شد، توی دانشگاه گفته شد، روزنامهها که در اختیار من نبود، اصلاً اسم من قاچاق شده بود که در روزنامه بنویسند، حتی تسلیت هم مثلاً ما نوشتیم توی روزنامهها نمی نوشتند. خوب حالا گذشت، بالاخره اصل موضوع این جور بود. در آخرین ملاقاتم خدمت ایشان، که زمزمه استقراض خارجی و سرمایه گذاری در مجلس بود، من خدمت ایشان عرض کردم حاج احمد آقا آنجا بودند، خدمت ایشان عرض کردم، ایشان فرمودند، بله آقای موسوی هم مخالف است، که من این را توی صحبتتم گفتم، بعد که ما آمدیم، تسلفن شده بود به خانه ما، که بله حضرت امام فرمودند حق با فلانی است بگویند حق با تو است و شما هم بگویند که این کار را نکنند. این هم مساله استقراض و عقیده من هم این بود. بالاخره هر چه باشد من به اندازه یک نماینده مجلس که دیگر حق این را دارم اظهار نظر بکنم، من که از پایه گذاران انقلاب بودم، در وقتی که حضرت امام تبعید بودند به ترکیه، به نجف بودند، همه می دانند که اینجا بالاخره محور انقلاب ما بودیم، اون وقت اگر یک مسالعی را تشخیص دادم که به ضرر است تذکر دادم، دیگر فرض کنید من هم مثل یکی از نمایندهها که در مجلس راجع به سرمایه گذاری خارجی و استقراض مخالفت می کند، و من توصیه می کنم که آقایان نوار صحبت من را حالا هر جور هست گیر بیاورند گوش بدهند ببینند کجای این نوار من مخالفت با نظام یا گوشه ای به یکی از مقامها و مسئولین رده بالا دارد؟ مسئولین رده بالای ما ۵۰ سال است با هم آشنایم. قبل از انقلاب توی قم بودیم، با هم آشنا بودیم، بعضیهایشان شاگرد ما بودند، رفیق بودیم، اگر چنانچه بخواهند یک ایادی به این وسیله تفتین کنند، بزرگترین ضربه به انقلاب از اینجا

می‌خورد، این که مرتب سفارش می‌شود به وحدت کلمه، به توحید، وحدت کلمه که یک طرفه نیست، من چیزی را به نظر می‌رسد به ضرر کشور است، الان هم عقیده‌ام است، حضرت امام هم نظرشان همین بود، و نظر را گفتم، فرض کنید مثل مخالفین در مجلس، نماینده‌های مخالف که توی روزنامه شما خوانندید در این مدت نمی‌دانم روزنامه‌ها را می‌خوانید یا نه نظریه‌های مخالف هم منعکس می‌شد، خیلی‌ها مخالف بودند از نماینده‌ها، من هم فرض کنید یکی از مخالفین، این معنایش مخالفت با نظام است؟ این معنایش مخالفت با مسئولین رده بالای کشور است؟

چطور می‌شود من مخالف با نظام و حکومت اسلامی و ولایت‌فقیه باشم، کدام یکی از علما ۴ سال بحث ولایت‌فقیه کردند؟ من در ظرف ۴ سال، مساله ولایت‌فقیه و حکومت اسلامی را از نظر علمی تثبیت کردم. همه آنهایی که اهل تشخیص هستند حتی مسئولین بالا، خودشان در سخنرانی‌هایشان گفتند که فلانی خدمت کرده به انقلاب و از نظر علمی پایه‌گذاری کرده حکومت اسلامی را، ولایت‌فقیه را، دوجلد کتاب ولایت‌فقیه چاپ شده، جلسومش هم ان‌شا الله چاپ می‌شود و مسائلی که مورد ابتلای ولایت‌فقیه و حکومت اسلامی است (آقایان توی درس ما بودند) چیزی که از نظر علمی من خودم تثبیت کردم اونوقت من مخالف ولایت فقیه؟ من مخالف نظام اسلامی هستم؟ مخالف نظام اسلامی آنهایی هستند که حالا یا سادگی دارند یا هر چیز دیگری، تحت تاثیر یک جوهای غلط قرار می‌گیرند، یک چیزهایی غلط بهشان می‌گویند تاثیر می‌گیرند و اونوقت جوسازی می‌کنند. این جوسازیها منعکس می‌شود، اینها بد است، اینها غیر از اینکه بین من و امثال من و مسئولین محترم مملکت بدبینی درست کنند و فتنه درست کنند هیچ نتیجه‌ای ندارد، و من در این میان برادران مسئول اطلاعات، حالا اینها مسائل جزئی است، اصلا دلم نمی‌خواست اینها را بگیرم، ولی انسان ناچار می‌شود، به برادران توصیه می‌کنم اگر چیزی می‌شنوید همان جور که می‌شنوید گزارش بدهید یک روزی در همین دفتر ما حدودا شاید یکماه قبل باشد یا چهارروز مسئول تلفن منزل ما (مسئول تلفن دفتر که الان هم اینجا هستند) اونجا توی مجلس ملاقات بود، چیزی که من به ایشان گفتم، در حدود ۱۰ تا ۱۵ نفر آنجا بودند، من گفتم که آقا من حدود ساعت ۸ (بعد از ظهر) نشده بود تلفن کردم به تلفنخانه، کسی نبود، این درست نیست که ساعت ۸ کسی توی تلفنخانه نباشد، تا ساعت ۹ تا ۱۰ در تلفنخانه باشید، بسا یک کسی از خارج از اینجا تلفن می‌کند، یک مسالعی می‌خواهد برسد، یک کاری دارد. کار دفتر ما غیر از مساله و غیر از استخاره آیا چیز دیگری هست؟ این را من گفتم. بعد مسئولین اطلاعات قم گزارش دادند و این را چاپ کردند که فلانی به مسئول تلفن گفت شما تا ساعت ۹ و ۱۰ توی تلفنخانه باشید افراد یک وقت می‌خواهند خبر بدهند، خبر بگیرند و بعد تلفن را هم به من وصل بکنید کی من تلفن برمی‌دارم؟ کی تلفن به من وصل شده؟ تلفن که در اختیار خود برادران اطلاعات هم هست، گوش که می‌دهند، این چه جور گزارش است؟ آن وقت بعد هم دنبالش گفته است، بله معلوم می‌شود فلانی هنوز می‌خواهد از منافقین و از کی‌هاو... خط بگیرد و خط بدهد و خبر بگیرد.

خوب آیا این غیر از این است که بخواهند فتنه درست بکنند بین ما و مسئولین محترم کشور من نمی‌گویم مسئولین اطلاعات اطلاعاتشان را ندهند، ولی صحیح اطلاع بدهید. کی من گفتم خبر بدهند و خبر بگیریم؟ ما کی اسم خبر آوردیم؟ کسی من تلفن را برمی‌دارم خبر بشنوم و گوش بدهم؟ آخر اینها درست نیست. اگر هم این جور چیزها توی دنیا رسیدگی نشود در قیامت رسیدگی می‌شود، مواظب باشید حرف زدنهایتان، نوشته‌هایتان روی اساس باشد. بله واقعا آدم تعجب می‌کند. گفتم اصل اینها مسائل جزئی است. یک آقای محترم از بزرگان حوزه دیشب به من می‌گفت که آقای هادی خامنه‌ای رفته است نجف آباد و نجف آبادها را تحریک کرده و فرستاده بیایند پیش فلانی، که فلانی صحبت بکند راجع به استقراض، اصلا آقای سید هادی خامنه‌ای با نجف آباد مربوطه؟ آخر این چه جور چیزهایی است که قاطی هم می‌کنند برای اینکه فتنه درست بشود. در عین حال اینکه در اطلاعات توی همه ارگانها بچه‌های خوب هستند بچه‌های مخلص هستند شکی نیست، اما انسان نمی‌داند یک وقت می‌بینی در هر جایی ممکن است یک آدمی باشد، یک عوضی، یک موسسه، یک تشکیلات، یک کارخانه اگر صدتا چرخ داشته باشد، یک چرخ عوضی تویش باشد همه را فلج می‌کند. توی حوزه هم همین طوره. توی همه تشکیلاتها همین طوره، بنابراین گزارشها روی حساب باشد، فتنه درست نشود. من را می‌شود بگویی که مخالف ولایت فقیه؟ ما در کتاب ولایت فقیه همان نقل کردیم در البدر الزاهر ما هم هست، از مرحوم آیت‌الله العظمی آقای بروجردی که ایشان فرموده‌اند ولایت‌فقیه و حکومت اسلامی از ضروریات اسلام است، اصل حکومت اسلامی از ضروریات اسلام است، این معنایش این است یعنی اگر کسی منکر بشود کافر است. آن وقت من مخالف ولایت‌فقیه هستم؟ من مخالف نظام اسلامی هستم؟ نظام اسلامی که این همه من برایش جان کنده‌ام، زندان رفتم، فرزندم، نوام برایش شهید شدند، آن وقت من مخالفم؟ آخه این چه جور تهمت است که زده می‌شود؟ این چه جور حرفی است؟ اگر چنانچه انسان تذکر بدهد یک مسالعی را که احساس می‌کند ضرور دارد، به ضرر کشور می‌سازد عقیده‌ام هست که ضرر دارد، حالا ۱۰ سال دیگر معلوم می‌شود، به عنوان تذکر بگیرم، فرض کن من هم مثل یکی از نماینده‌های مخالف، این چه جور برخوردیست اگر ما جلوی استقادهای و تذکرات را بگیریم و نگذاریم افراد علاقه‌مند تذکر بدهند و انتقاد بکنند خدای نکرده نظام و کشور سقوط می‌کند.

پیغمبر اکرم با آن عظمتش می‌فرماید: "اشيروا علی" نظر خود را به من بگویند، ایشان مشورت می‌کرد "النصیحه لامام المسلمین" وظیفه همه افراد است نه فقط من طلبه، اگر چنانچه انسان چیزی به ذهنش بیاید و نکوید خیانت کرده. این نشد که همه افراد وقتی می‌بینند ضرره هیچی نگویند. بالاخر، ما از این چهار تا بجمای که راه می‌افتند پیراهن بیشتر پاره کردیم، توی انقلاب بیشتر بودیم، با انقلاب سر و کار داشتیم، با رهبر انقلاب سر و کار داشتیم، نظر ایشان را می‌دانیم، با مسئولین محترم کشور روابط داشتیم، می‌دانیم نظریات را. اینها چه جور برخوردهای بچه‌گانه است. اینهاست که به نظام و انقلاب ضربه می‌زنند نماز جمعی که پایگاه وحدت است را تضعیف می‌کند، همه می‌دانند من در مصاحبه‌ام هم گفتم، نماز جمعه در ایران برودریاستی موسسش من بودم. من قبل از انقلاب در نجف آباد نماز جمعه می‌خواندم و نماز جمعه مهمی بود که ساواک هم‌نواخت بود. بعد از انقلاب هم در همین منزل آیت‌الله یزدی آمد خدمت امام عرض کردم آقا، حالا که دیگر قدرت

دست‌خودتان است، این نماز جمعه چقدر عظمت دارد، نمی‌پذیرفتند. بالاخره هر جوری بود ما به ایشان قبولانیدیم و ایشان بی‌مجاددند به مرحوم آیت‌الله طالقانی که نماز جمعه را بخوانند، بعد هم نصب ائمه جمعه کردند. نماز جمعه‌ای که پایه‌گذارش من بودم، آن وقت توی نماز جمعه مثلا شعار علیه من بدهند؟ البته در تاریخ سابقه باز هم دارد، اینها درست نیست. اگر چنانچه خواهیم نظام باقی باشد، کشور باقی باشد، باید باب انتقاد صحیح باز باشد، تذکر داده بشود و حرفها گفته بشود، و سعی میکنید همیشه کشور با عقل اداره بشود. عقل بر این جورها و احساسات باید غالب بشود. با جو و با این جور چیزها غیر از اینکه اختلاف و بدبینی و دویت درست شود چیزی به دست نمی‌آید. من یقین دارم که ایادی آمریکا و مخالفین به این جور جوسازیها دامن می‌زنند، این را من یقین دارم و آنها نمی‌خواهند بالاخره این انقلاب بماند، اینها می‌خواهند انقلاب را بپوسانند. همین که همه به هم بدبین بشوند و سو ظن داشته باشند همین کافی است برای اینکه وحدت و نظام از بین برود فقط یک صورت بی‌مغز بماند. بگذارید این دلها به هم نزدیک باشد و با هم متحد باشند، بدبینی درست نکنید، فتنه درست نکنید، جوسازی و این جور کارها درست نکنید.

اگر این آقایانی که این جور کارهای خلاف می‌کنند یقین دارند قیامت نیست خیلی خوب بکنند، اگر یقین ندارند قیامت نیستو احتمالش را می‌دهند که قیامت هست، پس یک جور کارهای خلافی را سعی کنید نکنید، زیانتان را حفظ کنید، هر چیزی را نگویند، هر چیزی را ننویسید، و خلاصه من حسابم را می‌گذارم با قیامت، خیلی حسابها ما داریم در قیامت که آنجا دیگر جای جوسازی نیست، حرفهایمان را آنجا می‌زنیم، من حرف خیلی دارم، حرفهایی که صحیح هم هست، مطابق موازین هم هست. بولی خوب عرض کردم خدا را گواه می‌گیرم برای حفظ وحدت و انقلابی که برایش جان کنده ام زندان رقت، کتک خوردم، دلم می‌خواهد باقی بماند و به دست نسل بعدی برسد، لذا من از خیلی حرفها که دارم صرف نظر می‌کنم، از خیلی حقوقم صرف نظر می‌کنم برای رضای خدا، و من احساس می‌کنم اصلا مثل اینکه ایادی هست می‌خواهد ما را در مقابل مسئولین قرار بدهد و دویت و فتنه درست بکند.

خداوند انشا الله به من و به همه برادران، از طلاب و فضلا و مسئولین و به همه اطلاعاتی‌ها هم توفیق بدهد که خلاصه در مسائل فکر کرده پیش برویم. (آمین حضار)

خدا انشا الله توفیق بدهد که بتوانیم برای حفظ نظام و اسلام و حکومت اسلامی هماهنگ باشیم و دلها را خدا انشا الله بهم نزدیک بکند. خدایا وحدت کلمه را حفظ بکن. خدمتگزاران به دین و کشور را تایید فرما. کسانسی که می‌خواهند فتنه ایجاد بکنند، اختلاف ایجاد بکنند، سو ظن ایجاد بکنند، گرچه خیلی هایشان بسا آدمهای ساده‌ای هستند، خدایا متنیشان فرما و آنها هم که قصدشان فتنه است خدایا شرشان را برطرف فرما. خدایا رهبر انقلاب امام طاب‌ثراه را که واقعا پایه‌گذار انقلاب بودند درجاتشان عالی است متعالی فرما و به همه ما توفیق بده پیرو خط ایشان باشیم و السلام علیکم ورحمة الله وبرکاته.

پیوست شماره ۲۲۰: نامه شاگردان درس معظمه به حضرات آقایان علما و مسئولین مملکتی  
۱۳۶۸/۱۰/۱۸

بسمه تعالی

همانطوری که آگاهید حضرت آیت‌الله العظمی منتظری حفظه‌الله، در روز دوشنبه ۱۳۶۸/۱۰/۱۱، پیش از برنامه مجلس عزاداری به مناسبت شهادت صدیقه طاهره (س) سخنانی در جمع دیدار کنندگان خود در زمینه استقراض خارجی به عنوان نظریه خود ایراد فرمودند که این سخنانی از مجتهدی آگاه و از موضع ارشاد و با انگیزه وظیفه شرعی مطرح گردیده است. از آنجا که حق رای و اظهار نظر برای آزاد ملت آزاد می‌باشد و طرح نظرات یکی از اساسی‌ترین حقوق پیش بینی شده در قانون اساسی جمهوری اسلامی می‌باشد، بویژه اظهار نظر از شخصیتی فرزانه و از بانیان انقلاب و نظام که از آغاز نهضت حضرت امام (قدس سره) همواره در کنار ایشان بوده‌اند و حضرت امام در آخرین نامه خود خطاب به ایشان در تاریخ ۱۳۶۸/۱۰/۱۸ فرمودند: "شما ققیه‌ی باشید که نظام و مردم از نظرات شما استفاده کنند"

بسا کمال تاسف هم اکنون ما شاهد توهین روزنامه جمهوری اسلامی و راندازی گروههای فشار برای القا تضاد بین ایشان و نظام هستیم، که گویا هر اظهار نظری به معنای مخالفت با رهبری و نظام تلقی می‌گردد، که چنین شیوه‌هایی نه تنها مناسب شان جمهوری اسلامی نیست بلکه تضادهای و درگیریها و اختلاف بین نیروهای خط امام و وفادار به نظام را تشدید می‌کند و در نتیجه موجب شکستن قداستها و ارزشهای می‌گردد.

از اینرو ما امضا کنندگان زیر از جنابعالی می‌خواهیم که پیش از این اجازه ندهید با مقام مرجعیت شیعه چنین رفتاری انجام گیرد و احساسات و علائق علاتمندان به ایشان جریحه دار گردد و زمینه‌های درگیری و اختلاف را که قطعاً دشمنان را خوشحال خواهد کرد، فراهم آید. توفیق خدمتگزاران صدیق انقلاب و جمهوری اسلامی ایران را از خدای متعال خواستاریم.

در حاشیه نامه:

نامه‌ای که خدمت حضرتتعالی ارسال گردیده است، توسط جمعی از فضلالی آگاه حوزه علمیه قم به نگارش درآمده و صرفاً جهت اطلاع جنابعالی و افراد یاد شده در زیر، ارسال خواهد شد. مستذکر می‌گردد که امضا کنندگان زیر تنها برخی از کسانی هستند که ناراضیاتی خویش را از رفتارهای توهین آمیز به حریم مرجعیت ابراز داشته‌اند، زیرا به دلیل لزوم سرعت عمل، جمع آوری فردی امضاها و محدودیتهای حفاظتی و اختصاص نامه به برخی از فضلالی حوزه امکان مشارکت گسترده طلاب را در امضای نامه سلب می‌کرد، بخصوص که بنای تهیه کنندگان این نامه توسعه امضا کنندگان و یا تهیه‌مومار نبوده و بدین انگیزه نبوده است که نامه‌ای سرگشاده باشد.

گیرندگان:

۱- حضرت آیت‌الله خامنه‌ای، مقام معظم رهبری انقلاب اسلامی

- ۲ حضرت حجلاًسلام والمسلمین هاشمی رفسنجانی، مقام معظم ریاست جمهوری اسلامی ایران  
 ۳ مقام معظم ریاست قوه قضائیه، حضرت آیتالله یزدی  
 ۴ ریاست محترم مجلس شورای اسلامی، حضرت حجلاًسلام والمسلمین کروبی  
 ۵ حضرت آیتالله محمدی گیلانی، دبیر محترم شورای نگهبان  
 ۶ حضرت آیتالله مشکینی  
 ۷ حضرت آیتالله موسوی اردبیلی  
 ۸ جامعه مدرسین حوزه علمیه قم  
 ۹ شورای مدیریت حوزه علمیه قم  
 ۱۰ حضرت آیتالله مهدوی کنی، دبیر محترم جامعه روحانیت مبارز  
 ۱۱ مجمع روحانیون مبارز  
 ۱۲ حضرت آیتالله جنتی، سازمان تبلیغات اسلامی  
 ۱۳ دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم

- ۱ احمد صادقی اردستانی ۲ غلامحسین نادی ۳ محمدصادق کامران ۴ علی فاضل قائینی نجفی ۵ حسین عبداللہیان ۶  
 نصرت اللہ واحدی ۷ محسن کنور ۸ محمدعلی مهدویزاد ۹ سید محمدعلی ایازی ۱۰ غلامحسین ایزدی ۱۱ علیرضا قسی ۱۲  
 احمدحسینی نژاد ۱۳ محمدحسین مفیدی ۱۴ عمادالدین باقی ۱۵ موسوی زنجانی ۱۶ قاسم جوادی ۱۷ محمدرضا مصطفی پور  
 ۱۸ محمودفرزانه ۱۹ سید محمدکاظم حیدری ۲۰ محمدعلی سلطانی ۲۱ محمدرضا کریمی ۲۲ مرتضی معینی ۲۳  
 مرتضی ثابتقدم ۲۴ محمدرضا زمانیان ۲۵ علی طالب ۲۶ محمد مرادی ۲۷ عباس شاکری حسین آبادی ۲۸  
 غلامحسین آذر ۲۹ مهدی عباسی ۳۰ سید حسین مقدس نژاد ۳۱ سید محمدباقر طباطبایی ۳۲ سیدمحمد  
 حسینی ۳۳ مهدی ابراهیمی ۳۴ محمدعلی عربی ۳۵ سیدباقر موسوی ۳۶ محمود تقی زاده ۳۷ احمدی ۳۸ سعید کتابی پور ۳۹  
 سید مجید شکراللهی ۴۰ حسینعلی احمدی ۴۱ سید علی سپهری ۴۲ نجفی ۴۳ سعیدی صالحی ۴۴ علی جان کریمی ۴۵  
 بهرام (تقی) جاق ققھی ۴۶ محمد محمدی قائینی ۴۷ سید تقی حسینی ۴۸ مهری ۴۹ سید محمدرضا طباطبایی ۵۰ محمد نصر  
 ۵۱ غلامحسین قیصری ۵۲ رجبعلی جنتی زاده ۵۳ عباس مخلصی ۵۴ احمدرضا امینی ۵۵ مرتضی احمدیان ۵۶ الیاس  
 مظہری ۵۷ ایسانی ۵۸ حسین رجبی ۵۹ محمدعلی قاصری ۶۰ محمدحسین عرفانی ۶۱ مصطفی درایتی ۶۲  
 محمدتقی جواهری ۶۳ حسن پویا ۶۴ علی اوسطی ناطقی ۶۵ علی انتشاری ۶۶ حسن رئیسی ۶۷ عظیمی ۶۸ علی زعیبیا ۶۹  
 سید امیرکاوه ۷۰ بنکدار ۷۱ ایزدی ۷۲ محمدحسن عارفی ۷۳ علیرضا نادری ۷۴ جعفر حسینی ۷۵ فرج الله مهدوی ۷۶  
 علی شریفی ۷۷ اسماعیل ملکی ۷۸ محمدابراهیم حسینی ۷۹ فرهاد (ابوالقاسم) شہلائی مقدم ۸۰ مسعود  
 الہی ۸۱ سید مصطفی موسوی مسجدجامعی ۸۲ محمد اسعدی ۸۳ غلامرضا کرباسچی ۸۴ مهدی عارفی فرد ۸۵  
 سید احمد اسلامی ۸۶ یدالله رحیمی ۸۷ محمد یقماوی ۸۸ اصغر صابری ۸۹ علی محمد نیاکان ۹۰ دادگر ۹۱ عبداللہی  
 ۹۲ علیرزادہ ۹۳ گرامی ۹۴ رضاجوادی ۹۵ مرتضی علوی ۹۶ سعیدی ۹۷ کریمی ۹۸ جمالی ۹۹ اصغری ۱۰۰ نظری ۱۰۱  
 موسوی ۱۰۲ مجتبی باقری ۱۰۳ ملکوتی ۱۰۴ عبدالله کاظمی ۱۰۵ حسینی ابوطالبی ۱۰۶ سید محمد حسینی ۱۰۷  
 محمد اسفندیاری ۱۰۸ حسین علیرزادہ و بیست و هشت امضای دیگر که سند آن پیوست می باشد.

پیوست شماره ۲۲۱: بیانات معظمه در پایان درس خارج فقه به مناسبت کنفرانس صلح مادرید، مورخه ۱۳۷۰/۸/۱۳  
 اعوذ بالله من الشیطان الرجیم

بسم الله الرحمن الرحیم

داستان ما متأسفانه بی شباهت نیست به داستان طلاب مسیحی، که در اسلامبول در وقتی که مسلمین شهر اسلامبول را  
 گرفتند وارد مدرسه مسیحی ها شدند دیدند طلاب مسیحی بحث می کنند که آیا ناسوت حضرت مسیح را به صلیب کشیدند یا  
 لاهوت حضرت مسیح را، در حالی که پایتختشان و مرکزشان و آبرو و حیثیتشان داشت می رفت آنها سرگرم این جور بحثها بودند.  
 متأسفانه داستان ما بی شباهت نیست به آنها، امروز که روز هشتم آبان است روز کنفرانس به اصطلاح مادرید، آنجا دارند  
 اسلام و حیثیت اسلام و قدس را همه را می فروشند به صهیونیستها و ما متأسفانه سرگرم یک مسائل فرعی جزئی هستیم، امروز روز  
 کوچکی نیست امروز واقعا بایستی روز قیام مسلمانها باشد امروز باید مسلمانها عزا بگیرند، مسلمانها یک میلیارد هستند،  
 چند تا از سران خود فروخته دارند با حیثیت اسلام و مسلمین بازی می کنند. تا حالا اسرائیل هر چه زود خواسته گفته است،  
 حالا رسماً می خواهند مشروعیتش بدهند به اسم کنفرانس صلح، اسرائیل یک وجب هم از اراضی عقب نمی نشیند، بلکه طلبکار هم  
 هست، همین اخیراً سفیر اسرائیل در آمریکا گفته که فقط بیست درصد (۲۰) اراضی موعود دست ماست، هشتاد درصد (۸۰) آن  
 هنوز دست اعراب است، اینها همان برنامه از نیل تا فرات را دارند، آن وقت این خوش باوری است که یک کسی خیال بکند  
 واقعا می خواهند صلح ایجاد بکنند، فقط هدف در این کنفرانس مشروعیت دادن به اسرائیل است که اعراب هم مشروعیت اسرائیل را  
 به رسمیت بشناسند.

این دولت خبیثه اسرائیل یک شجره خبیثه ای بود که انگلستان در این منطقه کشت کرد، آن هم با همکاری سران خود فروخته،  
 همانها امضا کردند، عبدالعزیز امضا کرد دیگران امضا کردند وجود دولت اسرائیل را، و آمریکا بهر حال را می برد، و هدف آمریکا  
 این است که می خواهد در این منطقه قدرتی یا نگیرد، این منطقه ایست که خداوند تبارک و تعالی ذخاثری از نظر معادن از نظر  
 هوش قرار داده است، هوش انسانی استعداد انسانی ممتاز است در منطقه خاورمیانه، منطقه خاورمیانه یک جو به آمریکا و اروپا  
 نیاز ندارد و آمریکا و اروپا هستند که به این منطقه نیاز دارند، اگر غیرت داشتند فقط یک ماه همین نفت و گاز این منطقه را به روی



صنعت غرب می‌یستند همه آنها فلج می‌شدند، چه اروپایش چه ژاپنش چه آمریکایش، اینها همه نیاز دارند به این منطقه و اینها هیچ نیاز ندارند، اما متأسفانه یک میلیارد مسلمان در دنیا زمامدارانشان نوعاً افراد خائن و خود فروخته‌اند، با اینکه همه چیز در اختیارشان هست برای اینکه اعتماد به ملتشان ندارند و ملت هم آنها را به خیانت شناخته‌اند، اینها برای اینکه خودشان را نگاه دارند به آمریکا و غرب متوسل شدند مثل دولت پشوالی کویت که آمریکا را دعوت به منطقه کرد. الان هم با آمریکا پیمان نظامی منعقد کرده، پایگاه به آمریکا داده است، بحرین هم همین طور پایگاه به آمریکا داده، رسماً آمریکا را بر این منطقه مسلط کردند، اسرائیل هم سگ زنجیری آمریکاست در این منطقه

شما ببینید، آمریکا در کشورهای اسلامی اگر از نظر صنایع نظامی پیشرفتی حاصل بشود چه در پاکستان و چه در عراق اینها را کنترل می‌کنند، ما طرفدار صدام نیستیم اما عراق یک صنایع نظامی پیشرفته‌ای داشت، در پاکستان هم یک کارهانی دارند می‌کنند رسماً دارن تمام اینها را کنترل می‌کنند اما اسرائیل کنترل نمی‌شود، اسرائیل بمب اتمی، هیدروژنی هم بسازد اشکال ندارد برای اینکه پایگاه آمریکاست، باید آن قدرت باشد و مسلمانها قدرت نداشته باشند تا همه ذخائر و امکاناتشان برود خارج، آنها هم که به صورت دلار می‌رود در بانکهای خارج در اختیار بانک جهانی و در اختیار آمریکا و اینهاست ده میلیارد دلار به اسرائیل می‌دهد یک لقمه هم گاهی اوقات پیش اینها می‌اندازد اما عمدتاًش در اختیار آنهاست.

خداوند تبارک و تعالی نعمت را بر مسلمانها تمام کرده اما سران چون خائند متأسفانه غیرت از مردم گرفته شده است. ”و انما الناس مع الملوك و الدنيا الا من عصم الله“ (امیرالمومنین ع) می‌فرماید: نوعاً همه مردم با قدرتها هستند می‌خواهند کاسبی کنند، نان بخورند و غیرت اسلامیشان از میان رفته است. ای کاش یک جو غیرت خلیفه دوم در این مسلمانها که خود را پیرو او می‌دانند وجود داشت. ابوموسی اشعری نماینده عمر در کوفه بود، یک کافر نصرانی برای خودش استخدام کرد، وقتی که خبر به خلیفه دوم رسید گفت که این کاتب نصرانی را عزل کن و یک کافر مسلمان استخدام کن، بعد ابو موسی برای خلیفه نوشت که نمی‌دانی این چه آدم خوبی است ”من غناؤه و خیره و خبرته“ نمی‌دانی چقدر آدم خیره ایست، غنای نفس دارد و آدم خوبی است، بعد خلیفه در جوابش نوشت: کسانی که خداوند تبارک و تعالی نخواست است بر مسلمانها مسلط باشند آورده‌ای مسلط کرده‌ای؟ امین مسلمانها قرار داده‌ای؟ کاتب مسلمین قرار داده‌ای؟ ما نباید به اینها قدرت بدهیم، مانعید اینها را بر مسلمین مسلط کنیم. باز ابو موسی نوشت خلاصعاش بهتر از این نداریم و اینکه ”ان البلد لا یصلح الا به“ کشور اصلاً اذرنمی‌شود الا به این نصرانی، عمر در جوابش نوشت که ”مات النصرانی والسلام“

اینها کاش غیرت عمر را داشتند، اینها که قرآن یک میلیون یک میلیون چاپ می‌کنند، به کشورها می‌فرستند و به مسلمانها می‌دهند مگر قرآن شریف نرفته ”یا ایها الذین امنوا لاتتخذوا الیهود و النصارى اولیا بعضهم اولیا بعض و من یتولهم منکم فانه منهم ان الله لایهدی القوم الظالمین فتری الذین فی قلوبهم مرض یسارعون فیهم یقولون نخشی ان تصیبننا دائره“ می‌ترسیم حکومتان را بگیرند دست تو سل به آمریکا و صهیونیستها دراز می‌کنیم. پس قرآن برای چی چاپ می‌کنید؟

امروز روزیست که ساکت نشستن گناه است، و بیش از همه حوزه علمیه، علما و مراجع، بزرگان بایست صدایشان را بلند کنند، بایست سر و صدا راه بیندازند. آیا ما ساکت بنشینیم و بحث کنیم که مثلاً استصحاب کلی قسم ثالث و یا نماز استیجاری چه جور است و اینها هر بلای می‌خواهند در کنفرانس صادرید به سر مسلمانها بیارند؟ شما یقین هم داشته باشید از این کنفرانس چیزی نصیب مسلمانها نمی‌شود، فقط اسرائیل ممکن است دروغی یک وعده‌هایی بدهد که مثلاً تا پنج سال چنین و چنان می‌کنیم، از آن سیاستها که کیسینجر داشت و کلاه سرهمه می‌گذاشت. اسرائیل الان می‌گوید که یک وجب عقب نشینی نمی‌کنم. دشمن که خودش صریحاً للهجه است کسانی که می‌روند می‌خواهند اسرائیل را برسیت بشناسند در راس همه آنها آمریکاست شوروی را هم به بازی گرفته است.

آنچه به منافع صهیونیسم و آمریکا لطمه می‌زند اسلام است، خود دولت آمریکا هم اسیر صهیونیستهاست، بوش هم برای اینکه می‌خواهد دوره بعد انتخاب بشود به اینها آوانس می‌دهد، مسلمانها هم خوابند و یا اینکه ترسو و ضعیف و سران هم نوعاً خود فروخته‌اند. قال رسول الله (ص): حسنفان من امتی اذا صلحا صلحت امتی و اذا فسدا فسدت امتی: الفقها و الامرا.

امرا خائن خودفروخته و فقهای شناگوی دربار آنها، این دو تیباند که اسلام را می‌فروشدند مسلمین را می‌فروشدند، و مسلمانها یا عاجزند یا ضعیفند، خیلی‌ها هم نادانند متأسفانه نگذاشته‌اند در مسلمانها رشد پیدا بشود، دلشان را خوش کردند که به ظواهر اسلام عمل می‌کنیم. وقتی که انگلیسها عراق را گرفتند یکنفر اذان می‌گفت، آن رئیس انگلیسها پرسید این چه چیزی می‌گوید؟ گفتند اذان می‌گوید، گفت به سیاست دولت برتانیای لطمه‌ای که نمی‌زند، گفتند خیر، گفت بگوید تا حنجره‌اش پاره شود. به ظواهر کار ندارند، آنها می‌خواهند قدرت دستشان باشد ذخائر و معادن دستشان باشد، ما هم فقیر و بدبخت و توسری خور و نوکر آنها باشیم. عملی‌ای حال امروز روزیست که دارند اسلام و قدس و حیثیت مسلمین و حیثیت اسلام را به صهیونیستها می‌فروشدند، و اگر کاری از ما نمی‌آید و صدای ما به جانی نمی‌رسد اقلاً به صورت تعطیل درسمان و به راه افتادن بالاخره آخی بگوئیم. بنابراین همان طوری که اطلاع دارید علمای لبنان هم امروز را عزای عمومی اعلام کردند و قاعدعاش این است که همه عزای عمومی اعلام کنند، و ما چون راه دیگری نداریم امروز مباحثمان تعطیل باشد به خاطر همین که این ناراحتی خودمان را از این کنفرانس بدین وسیله بفهمانیم.

خداوند انشا الله شر کفار و اجانب و صهیونیستها را از سر کشورهای اسلامی برطرف بکند و یک بیداری و آگاهی بپه مسلمین عنایت فرماید. خداوند یک جو غیرت به سرانی که خودشان را بر کشورها مسلط کرده‌اند عنایت بکند. خداوند انشا الله به همه شما توفیق بدهد که بتوانید به اسلام و مسلمین خدمت کنید. والسلام علیکم جمیعاً و رحمة الله و برکاته.

پیوست شماره ۲۲۲: نامه سرگشاده معظمه به ملت مسلمان ایران در ارتباط با یورش به بیت ایشان و حدود اختیارات رهبری و عملکرد ادگاه ویژه روحانیت و غیر قانونی بودن آن، مورخه ۱۳۷۲/۲/۱۰

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الحمد لله رب العالمين والصلوة والسلام على خير خلقه محمد وآله الطاهرين ولعنات الله على اعدائهم اجمعين الى يوم الدين. ملت مسلمان و متعهد ايران، پس از سلام و تحيت و دعای خير و صلاح برای شما و همه مسلمين جهان، و سلامت و توفيق خدمت بیشتر برای همه کسانی که با صداقت و خلوص به اسلام عزيز و ملت و کشور خدمت می کنند، و با طلب رحمت و علو درجات برای همه شهدای گرانقدر اسلام و انقلاب، و رفع شر همه استعمارگران و دشمنان اسلام و مسلمين که به بهانه های واهی اسلام و انقلاب و روحانيت و کشور ما را اهداف تبليغات سو خود قرار می دهند به عرض می رساند: از آنجا که انقلاب اسلامی ايران دست آورد ايشار و فداکاری ميليونها نفر مومن مخلص و صدها شخصيت اسلامی و هزاران شهيد و جانباز بوده است و نظام جمهوری اسلامی ثمره اين انقلاب عظيم می باشد لذا ارزش و اهميت اين انقلاب و اين نظام مقدس که به برکت اهل بيت عصمت و طهارت سلام الله عليهم اجمعين و در سایه توجهات حضرت حجه ابن الحسن عجل الله تعالی فرجه الشریف به وجود آمده بر کسی پوشيده نيست، و لزوم حفظ و نگهبانی از اين موهبت الهی بر همه مومنين متعهد امری است مسلم و هيچ جای مسامحه و تسلل نيست و هرکس به هر عنوانی مستقيم يا غير مستقيم با بد عمل کردن و تعدی از موازين اسلامی و قوانين مسلمة کشور موجب يأس و بدبینی مومنين و اميدواری دشمنان انقلاب و نظام شود مرتکب گناهی بزرگ خواهد بود.

مستاسفانه صدمات و لطمه های که در سالهای اخير از لحاظ سياسی، اقتصادی و فرهنگی در اثر اشتباه کاربها و تسنيدهای نا اهلان و اشخاص ناوارد يا خود خواه بر نظام اسلامی وارد شده و برنامه های حساب شده و مرموزی که برای سست کردن اعتقادات دینی مومنين اجرا شده کهنيت و شرح آنها در اين نامه نمی گنجد، ولی از همه خطرناکتر برنامه های است که به طور مرموز و ظريف و نوعاً دور از چشم و آگاهی ملت و يابا ظاهری موجه پيدا می شود و با توجه به حديث شريف: "الراضی بفعل قوم كالداخل فيه معهم" و همچنين حديثی ديگر بدین مضمون نقل شده که "نور قیامت بعضی از انسانها می بینند در نامه اعمالشان اعمالی نوشته شده که نه تنها در تمام عمر از آنان صادر نشده بلکه با آنها آشنا هم نبوده اند و چون از آن سوال می کنند در جواب گفته می شود که تو با گروهی که اين اعمال را مرتکب می شدند همراه بودی و مخالفت نمی کردی لذا اعمال آنان در نامه اعمال تو نیز نوشته شده و باید عقاب آن اعمال را هم بجوشی" مسئوليت انسان سنگين می شود و سکوت روانيست. لذا به یک نمونه از طرحهای مرموز دشمنان اسلام که برای لطمه زدن به انقلاب اسلامی و سست کردن عقائد مردم طرح ریزی شده اشاره می شود:

آنچه تا کنون در زمان غيبت کبری امام معصوم (ع) موجب بقای دين و حفظ ايمان مومنين بوده است همانا خدمات و فعاليتهاي علمای مذهب حقه و فقهای آگاه به زمان و فداکاری و ايشار آنان در طول تاريخ بوده است، چنانچه به ثمر رسيدن انقلاب اسلامی و پايه ریزی نظام اسلامی نیز به سرکست تحرک و قيام علمای اسلام و تحریک ملت در صحنه های مختلف در پشت سر رهبر فقيد انقلاب بوده است و لذا کفرجهانی و استعمار شکست خود را از دو ناحیه تشخيص داده، یکی حضور علمای اعلام در مسائل سياسی و اجتماعی و رهبری آنان و دیگری همراهی طبقات مختلف ملت در اثر اعتمادی که به علمای دين و روحانيت اصیل داشتند، و بر اين اساس دشمن نیز همت خود را صرف تضعيف اين دو نیروی عظيم کرده و می کند.

از طرفی لطمه زدن به اعتقاد و حيثيت روحانيت شيعه و تحقير مراجع تقليد در جامعه و مبتذل کردن امر فقاها و مرجعيت و حوزه های علمیه شيعه، و از طرف ديگر تضعيف نیروی ايمان و اعتقاد در مردم و بی تفاوت کردن آنان در مقابل تهاجم به فرهنگ و دين آنان و روحانيت شيعه و مراجع تقليدشان و بدین وسيله زيربنای انقلاب را سست نمودن تا در موقع مناسب ضربه نهائی را بر پیکر ثمره انقلاب و دست آورد آن وارد نمایند و آب از آب تکان نخورد. بر اين اساس دشمن از ابتدای پیروزی سعی داشته هر یک از نیروهای اصیل انقلاب و من جمله روحانيت متعهد را به بهانه های منزوی و مطرود و يا ملکوک و يا دل سرد نماید، و با کمال تاسف مشاهده می شود که به نام دفاع از انقلاب و نظام اسلامی از چهره های که در انقلاب موثر بوده اند به نحوی انتقام گرفته می شود، و اين اعمال نوعاً از ناحیه اشخاصی انجام می شود که نسبت به مسائل انقلاب و گذشته های آن بی اطلاع و بی هنگام انقلاب نسبت به آن بی تفاوت بوده اند که تفصيل آن کتابی بزرگ می طلبد، و آنچه که امروز دشمنان بیشتر بدان عنایت دارند لطمه زدن به روحانيت متعهد و ترور شخصيت های بارز روحانيت است و چون اکثر موارد اقدام شده در خفاي از انظار عموم ملت بوده است و بيان و استدلال به آن مستلزم اطلاع قبلی از اصل قضایاست، لذا در اين نامه مختصر خدمت ملت عزيز زمان بیشتر به موردی استدلال می شود که مربوط به خود اينجانب است و از نزدیک شاهد آن بودم و کم و بیش اخبار آن از طريق بعضی جرائد و رادیوها پخش شده است هر چند که آن جرائد عقوبت و پی آمدهای سختی را به خاطر انتشار اخبار واقع مستحسب شدند، و با اینکه کار مطبوعات به وزارت ارشاد مربوط است دادگاه ویژه روحانيت خودسرانه و مستقيماً آنها را تحت فشار قرار داد و می دهد ذکر داستان بيت خود نه به منظور خودنمایی و يا به عنوان استمداد است بلکه از باب مشت نمونه خروار گوشه های از آن را یاد آور می شوم تا نحوه برخورد هایی که با نیروهای مومن به اسلام و انقلاب انجام می شود برای افراد بی اطلاع روشن شود:

پس از سخنان اينجانب در پايان درس روز ۲۱ بهمن ۱۳۷۱ که به منظور دعوت به راهپيمايی و تقويت اصل انقلاب و دفاع از جمعی از مومنين گرفتار و دفاع از شخص خود در برابر اهانتها و تهمت های ناروای متناوب در محافل و جرائد انجام گرفت تصميم گرفته شد به خاطر عدم سو استفاده دشمنان اسلام و انقلاب و کشور نوار آن پخش نشود، ولی پس از تحريف سخنان من و پخش آن از ناحیه ديگران و رجال نمازيها و اهانت های روز جمعه ۲۳ بهمن در برابر بيت اينجانب، و روز شنبه ۲۴ بهمن در حسينيه شهدا که سبب تعطيل درس اينجانب شد، ناچار به پخش نوار و پياده کردن آن شديم، و بالاخره در شب یکشنبه ۱۳۷۱/۱۱/۲۵ با هجوم بیش از هزار نفر نیروی مسلح و مجهز به وسائل تخریب به دفتر اينجانب و حسينيه شهدا و محل آرشيو نامه ها و تلگرافات و روزنامه ها و بولتن های خبری چندین ساله مواجه شديم، و با محاصره کامل منطقه حتی خانهای همسایگان و مجاورين بيگناه و

قطع تلفن‌های منطقه و ایجاد رعب و هراس و برخوردهای تند که حتی منجر به وحشت و اغما بعضی از خواهران محترمه نیز شد، بسیاری از اشیای دفتر و حسینه و محل آرشیر از جمله نامه‌ها و تلگرافات و اشیا شخصی پاسداران بیت و بولتن‌های خبری و نوارها و نوشته‌های یادگار مانده از فرزند شهید مرحوم محمد منتظری که متعلق به دوفرزند صغیر آن مرحوم است و اشیا شخصی و اوراق درسی و علمی و اثاث‌البیت و از جمله سرلشهای شهریه و غیرها، بدون اعلام و تشکیل صورت جلسه به غارت برده شد و اماکن نیز پلمب شد، البته پولها و بعضی اشیا بعدا برگردانده شد ولی عمده اشیا تا این تاریخ ارجاع نشده‌است. این هجوم و حمله حدود پنج ساعت به طول انجامید که ظاهرا برادران و خواهران کم و بیش از جزئیات آن آگاه شده‌اند. چون با پخش خبر ماجرا سیل تلفنها و گزارشهای اشخاص حکایت از تقبیح عقلا قوم و ملت عزیز می‌کرد و از کانالهای مختلف وعده ارجاع اشیا شنیده می‌شد به نظر رسید متصدیان این کار ناهنجار و غیر مشروع منفعیل شده‌اند و تعقیب آن ضرورت ندارد، و به علاوه چون با عقل و منطق صحیح مواجه نبودم و مقابله با نادانیه و جنجال بازیها را به مصلحت نمی‌دیدم شخصا بنا را بر سکوت و احاله امر به خدا گذاشتم ولی بالاخره مواجه شدم با جزوای مملو از اکاذیب و افتراات و اهانتها به عنوان سخنرانی یکی از مسئولین به اصطلاح "دادگاه ویژه روحانیت" که ضمن اسنولیت هجوم مذکور را نیز به عهده گرفته است و سپس مقالای در کیهان هوانی مورخه ۱۳۷۲/۱/۱۸ که آن هم متضمن اکاذیب و افتراات زیاد بود از جمله تکذیب فرزند متعهد اینجانب آقای احمد منتظری که با اخلاص و صداقت وقایع را صادقانه منعکس کرده بود.

روی این اصل ناچار شدم مطالبی را به نحو اختصار به عنوان دفاع از حقیقت و روحانیت و قانون که وظیفه هر مسلمان متعهدی است تذکرده‌ام، و چون شرح همه ماجرا در یک پیام مختصر نمی‌گنجد لذا آنچه مربوط به دادگاه ویژه که منشا اصلی این برخورد و برخوردهای دیگر با علما و روحانیین متعهد و طلاب عزیز و بازداشت و پرونده‌سازی برای آنان می‌باشد در این نامه یلدا آور می‌شوم، باشد عقلائی قوم در رفتار خود تجدید نظر کنند و بیش از این روحانیت شیعه را تضعیف نکنند. در مقاله کیهان هوانی نوشته شده: "ورود به محوطه آقای منتظری با حکم رسمی دادگاه ویژه به عنوان یک نهاد قضائی صورت گرفته است."

اولا: ورود با حکم رسمی نیاز به این همه نیرو و محاصره محل و مزاحمت همسایگان و قطع تلفن‌ها و آوردن دلو و شکستن قفلها و دربندداشت.

ثانیا: دادگاه رسمی معمولا اموال شخصی از قبیل جاروبرقی و ضبط صوت و ساعت دیواری و لوازم ماشینی و وضوخانه و ماشینی اصلاح و سکه‌باز آزادی و امثال این اشیا را با خود نمی‌برد.

ثالثا: مسئولین دادگاه رسمی معمولا با ارائه حکم رسمی به صاحب خانه وارد می‌شوند و از اشیا ضبط شده صورت جلسه تنظیم می‌کنند و از صاحب خانه امضا می‌گیرند. برخلاف بیت اینجانب که آقایان پس از محاصره ناگهانی منطقه به طور کامل و حبس ساکنین منازل و منع خروج و دخول همه اشخاص و محصور کردن پاسداران محافظ بیت و ضبط اثاثیه شخصی آنان خودسرانه در بسها و قفلهای اطاقها و کمدها راکستند و هرچه را خواستند ضبط کردند و بردند و از قرار گواهی بعضی از پاسداران بیت، افراد در بردن برخی از اشیا با یکدیگر معارضه و کشمکش داشتند.

اینکه کیهان هوانی از قول یکی از مسئولین دادگاه ویژه اظهار می‌دارد: "حکم مزبور به آقای احمد منتظری ارائه شد اما وی با توهین و موضع‌گیری غیر مودبانهای از همکاری با نیروهای دادگاه ویژه روحانیت امتناع ورزید" و یا می‌گوید: "تلاش بر این بود که با حضور اعضای دفتر آقای منتظری بازرسی از این محل به عمل آید مجدداً به برخورد غیر مودبانانه اعضای دفتر مواجه شدیم" اینها همه کذب محض است. هم‌ماهل خانها از جمله احمد در خانه محصور شدند، و آنسان اصلا با احمد مواجه نشدند، و در ساعت ده یعنی ساعت شروع حمله در دفتر اعضائی وجود نداشت تا با آقایان برخورد مودبانانه و یا غیر مودبانانه داشته باشند. انتظار می‌رود متن این حکم رسمی به هر نحو شده ارائه شود تا معلوم گردد به امضای کدام مقام حکم این غارتگری صادر شده است.

رابعا: اینجانب به عنوان رئیس مجلس خبرگان قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران که خونهای شهدای عزیز انقلاب است، و اما بر اهل (طاب ثراه) حضرات علمای اعلام و مراجع عظام و ملت شریف ایران از همه طبقات به آن رای دادند، و به منظور دفاع از مصالح اسلام و انقلاب و روحانیت شیعه وظیفه دارم مطالبی را راجع به دادگاه موسوم به "دادگاه ویژه روحانیت" گوشزد نمایم، هرچند برای عدهای ممکن است تلخ باشد چنانچه معمولا طبیعت حق تلخ است: دادگاه ویژه که عامل لطمه زدن به چهره و شخصیت بسیاری از علما و مراجع بوده و به بهانه‌های واهی در همه کارها حتی در کار مرجعیت شیعه و مراجع تقلید دخالتهای نازوا می‌کند، و از قرار معلوم عامل تهاجم شبانه به بیت اینجانب و سلب امنیت از ساکنین منطقه و غارت اموال بوده است هیچ گونه مبنای قانونی نداشته و تشکیل آن برخلاف قانون اساسی است به چند دلیل:

دلیل اول: در اصل شصت و یکم قانون اساسی آمده است: "اعمال قوه قضائیه به وسیله دادگاههای دادگستری است که باید طبق موازین اسلامی تشکیل شود."

و معلوم است که "دادگاه ویژه روحانیت" از دادگاههای دادگستری و زیر نظر قوه قضائیه نیست، و به قوانین و مقررات قضائی کشور اعتنا ندارد. بنابراین حق دخالت در امور قضائی ندارد و متصدیان آن باید نزد خدا و ملت پاسخ گوی اعمال خلاف قانون خود باشند.

دلیل دوم: فرض کنید شخصی یا مقامی در کشور هرچند عالی رتبه مثلا تشکیلاتی به نام "دادگاه ویژه" با مقررات مخصوص به خود در مقابل قوه قضائی کشور اختراع کند که مستقل عمل نماید و در برابر اعمال خود به قوه قضائیه کشور پاسخ گو نباشد، بدون شک این عمل آن مقام مخالف قانون اساسی تلقی می‌شود که اگر از روی عمد باشد جرم است و اگر از روی غفلت و اشتباه باشد باید از اشتباه خود برگردد و خسارتهای وارده را جبران نماید. از طرف دیگر ما می‌بینیم که ذیل اصل یکصد و هفتم قانون اساسی راجع به رهبر کشور می‌گوید: "رهبر در برابر قوانین با سایر افراد کشور مساوی است"، بنابراین همان طور که رئیس جمهور مثلا

حق ندارد دادگاهی مستقل در مقابل قوه قضائیه تشکیل دهد رهبر نیز چنین حقی ندارد، و باید مطابق اصل یکصد و یازدهم قانون اساسی مجلس خبرگان رهبری که مسئولیت بررسی عملکرد رهبری را داراست به این عمل رهبر رسیدگی نماید.

دلیل سوم: در اصل یکصد و دهم قانون اساسی وظائف و اختیارات رهبر در یازدهم فقره مشخص شده است و در بین آنها نامی از تشکیل دادگاه ویژه روحانیت برده نشده، بنابراین تشکیل آن قانونی نیست. لازم است توجه شود: انتخابات خبرگان رهبری از ناحیه ملت، و انتخاب مقام رهبری از ناحیه خبرگان هر دو بر اساس قانون اساسی کشور است، و ملت به وسیله خبرگان رهبری را انتخاب می نمایند که عملاً پای بند قانون اساسی باشد و از آن تخلف نکند.

دلیل چهارم: دادگاه ویژه "از ناحیه مجلس شورای اسلامی تصویب و تایید نشده، و مقررات آن نیز به تصویب مجلس نرسیده است. مادامی که مقرراتی به تصویب مرکز قانون گذاری کشور نرسد ارزش قانونی ندارد و اجرائی آنها جرم محسوب می شود. اگر بنا باشد بدون مراجعه به قانون قانون گذاری، قانون تراشی شود خطر استبداد و یا هرج و مرج کشور را تهدید می کند. در جهان امروز قانون گذاری فردی و بی اعتنائی به قوه مقننه کشور خاطره سو حکومتهای استبدادی شاهانه را بیاد می آورد و در نتیجه حرمت انقلاب ملت شکسته می شود. تخلف از قوانین و مقررات موضوعه کشور علاوه بر اینکه تعدی به حقوق ملت است و آنان را بدبین و مایوس می کند، در روابط بین الملل نیز اثر منفی دارد زیرا موجب بی اعتمادی دولتها و شخصیتهای حقوقی و اقتصادی جهان و بالنتیجه انزوای سیاسی و اقتصادی کشور خواهد شد. ضمناً مجلس شورای اسلامی نیز حق ندارد بر خلاف قانون اساسی قانونی را تصویب نماید.

اینک تذکر چند نکته:

نکته اول: معنی ولایت مطلقه فقیه این نیست که مقام رهبری فعال مایسا باشد و بتواند بدون حساب و کتاب هر کاری انجام دهد و متلاقانون اساسی و قوانین مصوبه کشور یا قوانین اسلامی را نادیده بگیرد. بلکه معنی ولایت مطلقه فقیه اداره کشور بر طبق مصالح عالی کشور در چهارچوب قوانین اسلامی و قانون اساسی است. چنانچه ولایت مطلقه پیامبر اکرم (ص) نیز بدین معنی است که در چهارچوب احکام خدا ملت را اداره کند.

در این باره قرآن کریم در سوره انعام فرموده است: "ان الحکم الا لله" یعنی حکم و فرمان از ناحیه خداست، و در سوره مائده فرموده است: "و ان احکم بینهم بما انزل الله و لاتتبع اهلوائهم ان یفتنوک عن بعض ما انزل الله الیک" یعنی بین آنان به آنچه خدا نازل فرموده حکم کن و از خواستههای آنان پیروی نکن و مواظب باش تو را از بعضی آنچه خدا نازل کرده باز ندارند. در سوره نجم در شان آن حضرت فرموده است: "و ماینطق عن الهوی ان هو الا وحی یوحی" یعنی آن حضرت از روی دلخواه سخن نمی گوید و آنچه می گوید وحی از جانب خداست پس حکومت پیامبر خدا نیز بر اساس وحی و احکام خداست و خود سرانه نیست. چون جمع کثیری از فقهای عظام ولایت فقیه را محدود به تصرف آنان در امور جزئی از قبیل اموال ایتام و دیوانگان و اشخاص غائب و قاصر می دانستند، تعبیر به ولایت مطلقه در مقابل محدودیت است که این جمع از فقها قائل بودند و منظور از آن ولایت در همه شئون سیاسی مسلمین و بلاد اسلامی است که او را به رهبری انتخاب کرده اند ولی در چهارچوب قوانین اسلامی و مقررات تصویب شده از ناحیه ملتی که رهبری او را پذیرفته اند. با فرض اینکه ملت به قانون اساسی رای داده و مجلس شورا به عنوان مرکز قانون گذاری تعیین شده و رهبر و خبرگان بر اساس قانون اساسی انتخاب شده اند، قهر اختیارات رهبر در چهارچوب قانون اساسی و اختیاراتی است که در آن برای او تعیین شده است.

اگر مقام رهبری بنا باشد برخلاف قانون عمل کند در این صورت ذیل اصل یکصد و هفتم که می گوید: "رهبر در برابر قوانین با سایر افراد کشور مساوی است" لغو خواهد بود و گنجاندن این جمله در متن قانون اساسی کاری ابلهانه تلقی می شود.

اگر رهبر خود مختار مطلق باشد و حق داشته باشد برخلاف قوانین کشور عمل نماید اصل یکصد و یازدهم قانون اساسی که رسیدگی به تخلفات رهبر و عزل و انزال او را پیش بینی کرده لغو تلقی می گردد. تصویب این اصل در قانون اساسی بر اساس معصوم نبودن رهبر فقیه و احتمال تخلف عمدی یا قصور اوست نسبت به وظائف محوله.

چون رهبر فقیه معصوم نیست و ممکن است از روی عمد یا اشتباه کار خلافی انجام دهد و اشتباه مرد بزرگ عواقب خطرناکی را به دنبال دارد لذا معصوم نبودن او باید به وسیله الزام او به مشورت با فقهای دیگر و متخصصین فنون مختلف و به وسیله مراقبت خبرگان جبران شود.

نکته دوم: در اوایل انقلاب که جمعی از انقلابی با روحیه انقلابی در مسائل دخالت می کردند چه بسا با روحانیین و معممین خطاکار نیز رفتارهای تنیدی انجام می شد که در نتیجه گاهی به اصل حیثیت روحانیت ضربه می خورد. برای جبران این امر دادگاهی به اسم دادگاه روحانیت تشکیل شده بود و به امور اخلاقی معممین رسیدگی می کرد، ولی بتدریج به وسیله آن دادگاه نیز کارهای تنیدی انجام می شد که مناسب شئون روحانیت نبود و بسیاری از روحانیین بی گناه عملاً هتک می شدند. بدین سبب بسیاری از شخصیتهای انقلاب و نظام و علمای اعلام و من جمله اینجانب چون با تنبیهای دادگاه مذکور مخالف بودیم از راههای مختلفی در انحلال آن کوشش نمودیم تا بالاخره منحل شد ولی پس از مدتی شنیده شد بعضی از آقایان به مرحوم امام (ره) پیشنهاد تشکیل مجدد "دادگاه ویژه روحانیت" را دادند، که اینجانب به وسیله تلفن گرام به معظله یاد آور شدم که ما از دادگاه روحانیت خاطره خوبی نداریم و ضرر آن از نفع آن بیشتر است و به علاوه برخلاف قانون اساسی است، خوب است به جای آن برای رسیدگی به کارهای خلاف طلاب و روحانیین در حوزه علمیه قم هیئتی از فضلاء با تجربه تعیین شوند تا آنان خودشان رسیدگی کنند و پس از طی مراحل تذکر و توبیخ و تهدید اگر نیاز به محاکمه قانونی باشد خود هیئت، شخص متهم را به محاکم قضائی معرفی کند تا مثل سایرین محاکمه شود، زیرا همه افراد ملت در برابر قوانین کشور مساویند، و حتی اینجانب در آن تلفن گرام نام پنچنفر را به عنوان اعضای هیئت پیشنهاد کردم یک روز از بیت مرحوم امام به قم نزد اینجانب آمدند و گفتند: این هیئتی را که شما پیشنهاد کرده اید آیا قدرت دارند مثلاً فلان شخص را (که فعلاً یکی از علمای مدرسین صاحب رساله در قم می باشند) احضار و محاکمه کنند؟ معلوم شد طراحان دادگاه ویژه از تاسیس آن منظور سیاسی دارند

و تهذیب روحانیت از مفسد اخلاقی بهانه است، و بالاخره دادگاه ویژه تشکیل شد و کارهایی انجام داد که لابد آقایان کم و بیش شنیده‌اید. پس از رحلت امام راحل (ره) دادگاه ویژه خیلی وسیعتر و با اختیاراتی بیشتر و هزینه‌هایی هنگفت ادامه یافت. و بیشتر از آن استفاده‌های سیاسی شده و می‌شود. تعرضهای مکرر و پی در پی و هتک حرمت‌هایی که نسبت به بعضی مراجع و علمای محترم و بیت و خانواده و فرزندان و افراد دفتر آنان کرده و می‌کنند و بازداشت بسیاری از فضلاء مخلص اسلام و انقلاب به بهانه‌های واهی و محکوم نمودن آنان و یا ارباب و تهذیب‌های بیجا نسبت به آنان از عملکردهای دادگاه ویژه بوده، هرچند افراد فاسد و خطا کار را نیز بازداشت و محاکمه کرده‌اند، ولی متأسفانه کاربرد آن تا حال روی هم رفته به مصلحت روحانیت و اسلام و کشور نبوده است. بسیاری از علما و روحانیین خوب و انقلابی هتک شده‌اند و در روحیه طلاب جوان علاقه‌مند به اسلام و انقلاب یاس و ناامیدی پدید گشته و نوعاً از ادامه تحصیل در حوزه‌های علمیه زده شده‌اند، و درحقیقت با توجه یا بدون توجه خواسته استعمارگران سیلی خورده از انقلاب و روحانیت شیعه عملاً انجام شده روحانیت و مراجع تقلید شیعه همیشه در مقابله حساس جامعه تشیع و بلاد اسلامی را از شر استبدادهای داخلی و قراردادهای استعماری نجات داده و تضعیف این نیروی عظیم ملی بزرگترین خواسته کفر جهانی است، و البته روحانیین همه معصوم نیستند و ممکن است نفوذش‌های اخلاقی یا حقوقی در بین آنان پیدا شود ولی هنگامی که مطابق قانون اساسی رهبر در برابر قوانین با دیگران مساوی است روحانیین دیگر نیز قهراً و به طریق اولی با دیگران مساوی هستند، منتها احضار متهم و محاکمه نباید با اهانت به متهم تمام باشد و بخصوص قبل از ثبوت جرم نباید بازداشت و بازجوییها اعلام شود، متهم روحانی باشد یا از طبقات دیگر، و مرجع همه تظلمات و محاکمات باید محاکم دادگستری باشد، و اگر فرضاً در روش محاکم دادگستری نقائصی وجود دارد آن نقائص باید برطرف شود.

بسا وضع فعلی اقتصاد کشور دادگاه ویژه با تشکیلات عریض و طویل خود بودجه سنگینی را بر کشور و ملت تحمیل کرده که هیچ ضرورت ندارد و مصلحت اسلام و انقلاب و روحانیت اقتضا می‌کند که این تشکیلات خلاف قانون اساسی منحل گردد و وظائف آن به قوه قضائیه و محاکم دادگستری ارجاع شود.

ضمناً در دادگاه ویژه نه متهم حق تعیین وکیل دارد و نه دادگاه علنی است و نه تجدید نظر دارد و نه احکام آن به دیوان عالی کشور ارجاع می‌شود بلکه خود فعال مایشا است و نوعاً بینه و شاهد عادل نیز در بین نیست، بلکه با گزارشهای سر و پا شکسته و اقرار متهم در شرائط خاص زندان که در آن شرائط شرعاً و قانوناً اقرار و اعتراف بی‌ارزش و بی‌اعتبار است و یا با علم قاضی، خودشان می‌برند و می‌دوزند و بهیچ مقامی قابل شکایت نیست، و درحقیقت معامله با روحانی متهم از معامله با هر گناهکار دیگری از هر طبقه باشد بدتر است، و نوعاً رسیدگی به امور مربوط به علمای بزرگ و محترم به افرادی که از نظر علم و آگاهی در سطح پائین هستند محول می‌شود.

نکته سوم: اینک جای گله است از حضرات علمای اعلام و حقوقدانان شورای نگهبان: با اینکه وظیفه دارند قانون اساسی کشور را که خون‌های شهدای عزیز است و امانتی است که به آنان سپرده شده حفظ نمایند، چرا تا حال در برابر تخلفات از قانون اساسی من جمله این تخلف بزرگ سکوت کرده‌اند؟ البته این گله توأم با تقاضا به سایر علمای اعلام و به نمایندگان مجلس شورا و به همه حقوقدانان و نویسندگان متعهد نیز متوجه است.

آیا دفاع از حقوق ملت و حریم روحانیت و مرجعیت شیعه و حوزه علمیه و مردم مظلوم برعهده ما نیست؟ آیا سکوت در برابر قانون شکنیها و تعدیات و حق کشیها و سلب آزادیها گناه نیست؟ با اکثر علمای و فضلا و بزرگان و حقوقدانان که صحبت می‌شود از دادگاه ویژه و از کارهای خلافی که انجام می‌شود می‌نالند و شکایت دارند ولی متأسفانه همه مرعوب و ساکتند و نسبت به آنها بی‌تفاوت می‌گذرند. جمعی مشغول کارهای روزمره خود هستند و به اطراف نگاه نمی‌کنند تا ببینند چه می‌گذرد و برای دیگران چه اتفاق می‌افتد، و جمعی گرفتار ترس القا شده و جو اختناق تحمیلی بر جامعه شده‌اند در صورتی که ترس بیجا از صفات مذموم انسان است. انسان باید شجاع و قوی‌الاراده باشد و در برابر کجیها عکس‌العمل نشان دهد، و جمعی نیز به نام حفظ نظام سکوت کرده و دعوت به سکوت می‌کنند غافل از اینکه امر به معروف و نهی از منکر نه تنها باعث تقویت نظام است بلکه یک واجبه‌مکانی است و نظامی که ملت برای آن فداکاری کرد و این همه شهید و معلول پیدا شدند نظام اسلام و عدالت و آزادی و حفظ حقوق و دفاع از مظلومین و ایستادگی در برابر کجیها و تندبها بود، پس اگر در گوشه‌ای ظلم و بی‌عدالتی دیده شد حتی المقدور باید جلو آن را گرفت تا نظام عدالت تحکیم شود و سوز تبلیغاتی از دست دشمنان گرفته شود و گرنه ملت دلسرد می‌شود و بی‌عدالتیها اصل نظام را زیر سؤال می‌برد و بالاخره نظام از داخل می‌پوسد. امروز همه جهان چون بلد واحد شده و قضایا خواهی نخواهی منعکس می‌شود چه ما ساکت باشیم یا معترض، پس چرا عیبی را که دیگران با تحریفات و اغراقات منعکس می‌کنند خردمان واقع آن را نکوئیم و در رفع آن نکوشیم؟ بخصوص

کعدر این موارد سکوت موجب حفظ نظام نیست بلکه موجب هدم نظام است.

و در این میان علمای اعلام نسبت به مظلومین از ملت وظیفه سنگین تری دارند چنانچه مولا امیرالمومنین (ع) فرمودند: "و ما اخذنا لله علی العلماء ان لا یقاروا علی کظه ظالم و لا یسب مظلوم" (نهج البلاغه خطبه ۳) یعنی آنچه را خداوند برعهده علما گذاشته که در برابر پرخوری ظالم و گرسنگی مظلوم بی‌تفاوت نباشند.

برای خود مظلوم نیز سکوت روا نیست چنانچه در قرآن کریم فرموده: "لا تظلمون و لا تظلمون" و نیز فرموده است: "لا یحب الله الجهر بالسوء من القول الا من ظلم" که برای شخص مظلوم داد و نرساد رواست. دفاع از حقوق، حق طبیعی همه انسانهاست، و در حدیث شریف فرمود: "من قتل دون ماله فهو شهید" یعنی هرکس در راه حفظ مال خود کشته شود شهید محسوب است، و در حدیث دیگر از امام صادق (ع) نقل شده که فرمودند: "ان الله فوض الی المؤمن امور کلها و لم یفوض الیه ان یکون ذلیلاً. اما تسمع الله تعالی یقول: والله العزه و لرسوله و للمؤمنین. فالؤمن یکون عزیزاً و لا یکون ذلیلاً" یعنی خداوند همه امور شخص مؤمن را به خودش واگذار کرده ولی ذلت او را به او واگذار نکرده، آیات شریفی خدای را که فرموده: عزت برای خدا و

رسول‌خدا و مومنین است. پس مومن عزیز است و نباید دلیل باشد، یعنی نباید زیر بار ذلت‌برود. نکته چهارم: گاهی گفته می‌شود دادگاه ویژه روحانیت به دستور مرحوم امام (ره) تشکیل شد و ما باید از معطله پیروی کنیم. اولاً: چنین دادگاهی با چنین عملکردی را که سراغ داریم علاقه‌مندان ایشان نباید به ایشان نسبت دهند و اگر کسی مرکز و محل چنین اشتباهاتی را به معطله نسبت دهد در حقیقت خود آن اشتباهات را به ایشان نسبت داده است و نباید کانونی که مستلزم اشتباهات و خلافکارهای زیاد است ادامه پیدا کند. چنانچه در مواردی ضرورت دادگاه فوق‌العاده‌ای تشخیص داده شود بهتر است به قوه قضائیه دستور داده شود که یک شعبه دادگاه فوق‌العاده تشکیل دهد و به موارد استثنائی خاص مورد نظر رسیدگی نماید که طبعاً چنین دادگاهی زیر نظر قوه قضائیه عمل می‌کند و مقررات آن را نیز رعایت می‌کند، و حرمت قانون اساسی نیز حفظ می‌شود، نه اینکه دادگاه مستقلی به نام دادگاه ویژه روحانیت با هزینه سنگین و مقررات مخصوص به خود در مقابل قوه قضائیه تشکیل شود و در اعمال خود پاسخگویی قوه قضائیه نباشد، کمالینکه خود رئیس قوه قضائیه در موارد مکرری از عملکرد دادگاه ویژه تبری جست‌اند.

ضمناً اینکه مرحوم امام (ره) بیا هر مقام دیگری غیر از معصومین علیهم‌السلام را مطلق و معصوم از هر خطا و اشتباه فرض کنیم به نحوی که هیچ کس حق تذکر یا اعتراض نداشته باشد خطر بزرگی را برای انقلاب و جامعه در پی دارد و سرانجام از استبداد مطلق سر در می‌آورد، و از این راه ضربهای بزرگ و جبران ناپذیری به اعتقادات و گرایشهای دینی ملت وارد خواهد شد. ثانیاً: دادگاه ویژه‌ای که به دستور مرحوم امام (ره) تشکیل شد خیلی محدود و منحصر به تخلفات روحانیت بود ولی آنچه بعد از رحلت ایشان به این نام تشکیل شده و محور عمل قرار گرفته دانه آن بسیار وسیع است و چه بسا براند افراد غیر روحانی که به اتهامات واهی تحت تعقیب این دادگاه قرار گرفته و محکومیت‌های سنگینی را متحمل شده‌اند، و اینک جمعی از آنان در زندان می‌باشند. در سند "د" از ماده ۱۳ قانون اختراعی این دادگاه مربوط به صلاحیتهای آن چنین آمده است: "کلیه اموری که از سری مقام معظم رهبری برای رسیدگی ماموریت داده می‌شود." این سند دادگاه ویژه را ابزاری برای اعمال سیاستهای شخصی رهبر معرفی می‌کند و در نتیجه موقعیت اجتماعی و حیثیت ایشان را زیر سوال می‌برد. اگر مقام رهبری به دستگاه قضائی کشور اعتماد ندارند چرا در اصلاح آن کوشش نمی‌کنند و چرا رسیدگی به جان و مال و عرض‌شخصت میلیون جمعیت کشور را به آن سپرده‌اند، و اگر اعتماد دارند چرا برای رسیدگی به امور مورد نظرشان تشکیلات وسیع دیگری را برخلاف قانون اساسی ابداع کرده‌اند؟

در اینجا دوستانه به بانیان و متصدیان دادگاه ویژه توصیه می‌کنم با خود بیندیشند که از این تشکیلات عریض و طویل با هزینه هنگفت تحمیلی بر بودجه کشور چه سودی عائد نظام و روحانیت و ملت شده است، جز ایجاد اختناق و تضییع حقوق و بدبین کردن روحانیت و ملت نسبت به مسئولین؟ که نتیجه نهائی همه اینها تضعیف نظام اسلامی است. اگر پس از تفکر بدین امر واقف شدند خودشان برای انحلال آن و ارجاع وظائف مشروعه آن به قوه قضائیه اقدام نمایند، و ضمناً چنانچه به مبانی شرع پایبندند نسبت به مشروعیت و یا عدم مشروعیت حقوقی که از مال ملت پایبند به قانون اساسی به مصرف یکبارگان غیر قانونی و حقوق پرسنل آن می‌رسد توجه خاص مبذول دارند.

شما ای مردم آزاده ایران که قلبتان برای اسلام و اجرا موازین اسلامی می‌تپد و تشنه عدالت اسلامی هستید و در این راه این همه شهید و معلول دادید، از مقام ریاست جمهوری که در سوگند نامه خود متعهد شده است پاسدار قانون اساسی باشد و از نمایندگان مجلس و شورای نگهبان که قسم خورده‌اند حافظ دست آوردهای انقلاب و منافع قانون اساسی باشند و از مراجع تقلید و از نویسندگان متعهد و از همه مردم عدالت‌خواه جدا بخواهید که برای احیای اصول پایمال شده قانون اساسی و قوانین اسلامی بکوشند و جلوی این قانون شکنی‌ها و بی‌عدالتی‌ها را بگیرند. شما طبقات ملت که موجد انقلاب اسلامی بودید حفظ آن نیز به عهده شماست و سکوت در مقابل جنایات گناهی است بزرگ. ففسی و صیحو لانا امیرالمومنین (ع): "لا تتركوا الامر بالمعروف والنهي عن المنکر فیولسى علیکم شرارکم ثم تدعون فلا یستجاب لکم" (نهج البلاغه کتاب ۴۷).

نکته پنجم: در اینجا به مسئولین کیهان هوائی که برای خوانندگان خارج از کشور تهیه و چاپ می‌شود تذکر می‌دهم وظیفه شما بود اول دربار صحت و سقم آنچه مسئولین خبرگزاری جمهوری اسلامی به شما گفتند و همچنین آنچه به گفته شما طی تماس تلفنی با حسین‌الاسلام حسینیان یکی از مسئولین دادگاه ویژه روحانیت به شما گفته شده تحقیق و بررسی نمائید که راست است یا دروغ آنگاه اظهار نظر کنید، نماینده گفت‌های دروغ دو منبع مذکور را حقیقت‌پندارید و بر مبنای آنها قلم زنید. اینجانب با کمال صراحت می‌گویم آنچه را از قول دو منبع مذکور راجع به بیت اینجانب نقل کرده‌اید دروغ محض است، مخصوصاً این گفته آقای حسینیان که گفته "پس از بازرسی تعداد پنج کامیونتا از این گونه اطلاعیه‌های توین‌آمیز به ساحت حضرت امام (ره) به همراه برخی اسناد دیگر کشف شده" هر انسان با وجدانی را متاثر می‌کند که چه‌جسوا مسیر انقلاب و روحانیت شیعه به جانی برسد که چنین اشخاص فرصت طلبی جرات کنند با محاصره یک منطقه بزرگ را ایجاد رعب و وحشت مطلق العنان امور دفتر و حسینیه شهدا و آرشیو چهارده‌ساله با ارزش و گرانبهائی را غارت کنند و برای توجیه کار ناهنجار خود چنین دروغهای شاخنداری را که هیچ عاقلی باور نمی‌کند به هم بیافند و شما هم در شریک‌های که برای افراد خارج از کشور تهیه می‌شود چاپ و منتشر کنید، مثل اینکه مفهوم اطلاعیه و یا مقدار ظرفیت پنج کامیونتا برای آقایان روشن نیست، شما با چاپ این قبیل دروغهای شاخندار دیکت‌شده به خوانندگان خود القا می‌کنید که از خود استقلال ندارید و آنچه به شما تحمیل می‌شود می‌نویسید و بدین وسیله سایر اخبار و گزارشهای نشریه خودتان را نیز بی‌اعتبار می‌کنید، و متأسفانه نشریات دیگری نیز به همین بلا گرفتار شده‌اند حتی نشریه سازمان تبلیغات اسلامی نیز این دروغها را عیناً درج نموده است و با اینکه طبق قانون مطبوعات باید جواب اتهامات را نیز درج کنند جوابیه‌های فرزند اینجانب احمد منتظری را چاپ نکردند، و از طرف دیگر آقای حسینیان مجله پیام هاجر و بعضی جزاوند دیگر را تهدید کرد که اگر راجع به وقایع قم چیزی بنویسید مجله آنان را توقیف می‌کند و بالاخره به جای حکومت قانون زور حکم فرماست. در این میان بعضی از مقامات ضمن اظهار تاجر از

حوادث انجام شده در بیت اینجانب اصرار داشتند که مسئولین بالا خبر نداشتند. در جواب آنان باید گفت حالا که خبر پیدا کردند چه عکس العمل مثبتی نشان دادند، نه اموال غارت شده برگردانده شده و نه عاملین جنایت مجازات شدند بلکه از قرار مسمرع به جمعی از آنان پاداش زیارت بیت الله الحرام نیز داده شده انشا الله حجتشان مقبول خواهد بود.

نکته ششم: در تحریر الوسیله مرحوم امام (ره) کبر تعریف محارب و حد آن مطالبی ذکر شده که ملخص آن چنین است: "محارب کسی است که در پناه اسلحه مردم را بترساند و فساد برپا کند چه در بیابان و چه در دریا، چه در شهر و چه در غیر شهر، چه در شب و چه در روز، و شرط نیست که مهاجم از اشرار و اهل ربه باشد، و حد محارب یا قتل است یا به دار آویختن یا قطع یک دست و یک پا برعکس یکدیگر، یعنی دستراست و پای چپ، و یا تبعید و بهتر است اگر محارب مرتکب قتل شده او را بکشند یا به دار آویزند و اگر اموال را به غارت برده دست و پای او را قطع کنند و اگر فقط سلب امنیت کرده تبعید شود." (تحریر الوسیله ج ۲ ص ۴۹۴)

در شب ۲۵ بهمن ۱۳۷۱ تهاجم شبانه‌ای به بیت اینجانب با محاصره منطقه در پناه نیروهای مسلح و به کارگیری بیش از هزار نفر و ایجاد رعب و وحشت و سلب امنیت حتی از همسایگان انجام شد و قفسله‌ها و دربها را شکستند و اموال زیادی را به غارت بردند. این عمل وحشیانه مصداق کامل محاربه است. اگر یک دادگاه عادلانه و قانونی تشکیل شود عاملان این تهاجم غیر انسانی را محارب خواهد شناخت که مجازات آنان لا اقل قطع دست و پاست.

ولی چه باید کرد در حالی که اینجانب و سایر آقایانی که مورد هتک واقع می‌شوند حتی المقنن در برابر حقوق از دست رفته خود صبر و سکوت رایشه خود ساختیم. آقای حسینیان که رهبری این تهاجم را به عهده گرفته آزادانه دروغهای خود را منتشر و به جراند کشور تحمیل می‌کند و مسئولین جراند تهدید می‌شوند که اگر این موضوع را بنویسند تحت تعقیب قرار خواهند گرفت. بناچار اینجانب اجمال واقعه را در این صفحات نوشتم تا اگر روزی نسیم آزادی وزیدن گرفت و جو اختناق شکسته شد و جراند کشور از بند سانسور آزاد شدند بتوانند نگارش اینجانب را به ضمیمه گزارش‌هایی که از ناحیه سایر دلسوزان مطلع از تخلفات و اقدامات مرموزانه دشمنان تنظیم شده برای آگاهی برادران و خواهران مسلمان منتشر نمایند.

والی الله تعالی نشکوه بشنا و حزنا و منه نستمد فی جمیع امورنا و السلام علی جمیع اخواننا و رحمة الله و برکاته  
۱۳۷۲/۲/۱۰

قم حسینعلی منتظری

پیوست شماره ۲۲۳: اطلاعیه دفتر معظمه در مورد سخنرانی ایشان و حمله و غارت بیت و حسینیه و دفتر، مورخه ۱۳۷۱/۱۱/۲۸

به نام خدا

در تاریخ ۱۳۷۱/۱۱/۲۱ حضرت آیت الله العظمی منتظری در پایان درس خارج فقه بیانات مشروحی پیرامون انقلاب اسلامی و حضور مردم و لزوم شرکت در راهپیمایی ۲۲ بهمن ایراد داشتند و ضمن اینکه یادآور شدند باید انقلاب و اهداف عالی آن همچنان با قوت و عظمت باقی بماند فرمودند: اینکه می‌بینیم مردم ما در راهپیماییهای روزهای مهم مانند روز ۲۲ بهمن و روز قدس شرکت می‌کنند برای این است که مردم انقلاب را محصول خودشان می‌دانند و برای آن شهدای زیادی داده‌اند و لذا با همه گرفتاریها و فشارهایی که تحمل می‌کنند معذرت به اصل انقلاب و نظام و اهداف آن عشق می‌ورزند و کسی این عشق و علاقه مردم را به حساب اشخاص نگذارد، عشق و علاقه مردم به اصل اهداف انقلاب می‌باشد. آنگاه ایشان با اشاره به سوابق خود در انقلاب و حمایت از شخص حضرت امام (قده) یادآور شدند: من تمام زندگی و عمرم را در راه انقلاب صرف نمودم و یک فرزند شهید و یک معلول در راه آن دادم و البته از کسی هم چیزی طلبکار نیستم، وظیفه‌ام بوده است، ولی می‌خواهم بگویم من به خاطر احترام و اهمیت زیادی که برای انقلاب و رهبر فقید آن قائل بودم احیانا تذکراتی می‌دادم و هدفم حفظ حیثیت و وجاهتم معنوی امام قدس سره بود تا در سالیان متمادی چهره ملکوتی ایشان همچنان مقدس و محترم باشد و در تاریخ چهره ایشان ملکوک و مخدوش نگردد. معظمه سپس با اشاره به فتنه مفتنین یادآور شدند: یکی از علمای تهران نقل کرده است که چند نفر از افراد رده بالای اطلاعات به او گفتند در آن شرایط ما را مجبور کردند تا به دروغ گواهی دهیم که بیت فلانی آیت الله العظمی منتظری در اختیار منافقین می‌باشد، و ما هم گواهی دادیم و اکنون ناراحت هستیم، آیا خدا از تقصیر ما می‌گذرد؟ ایشان سپس تاکید کردند من هیچ گاه طالب مقام نبوده و نیستم و از هیچ چیز هم نمی‌ترسم ولی برای انقلاب و اهداف آن دلم می‌سوزد، مبادا مردم از آن زده شوند، و اگر من سکوت کرده‌ام برای این است که اساس انقلاب اسلامی محفوظ بماند، مثل ما مثل آن دونفر زنی است که سر بچه نزاع داشتند و پس از اینکه حکم شد بچه دو نصف شود، آنکه مادر بود به خاطر حفظ بچه از حق خود گذشت... آنگاه روز جمعه ۲۳ بهمن اخباری می‌رسید مبنی بر اینکه از طرف بعضی ارگانهای نظامی برای یک تظاهرات بعد از نماز جمعه به سوی بیت معظمه دعوت می‌نمودند، ولی علمای قبول نکرده و بعضا نیز قبول نموده و بالاخره بعد از نماز جمعه قم با تعدادی از افرادی که از جریان بی اطلاع بودند در حدود پانصد نفر را مقابل بیت ایشان مجتمع نمودند، و در این میان حدود شصت نفر شعارهای زندگانی سر دادند. آنگاه متن تحریف شده بیانات آیت الله العظمی منتظری را که تکثیر نموده بودند با ضمیمه‌های تحلیلی خودشان همراه با تهمت و افترا و دروغ منتشر نمودند، و جمعی تابلوی دفتر را کردند و سپس بلندگوی اتومبیل سپاه خاتمه برنامه و دستور متفرق شدن را صادر نمود و مراسم پایان یافت.

شاهدین صحنه می‌گفتند: بسیاری از حاضرین در مراسم فقط تماشاگر بودند و آنهایی که شعار می‌دادند بیش از پنجاه شصت نفر نبودند.

آنگاه در روز شنبه ۲۴ بهمن، جمعیت طلاب درس فقه معظمه طبق روال هر روز در جلسه درس در حسینیه شهدا حاضر شدند ولی دیدند افراد جدیدی حدود صد نفر نیز آمده‌اند و احساس شد اینها قصد به هم زدن جلسه درس و شلوغ کردن را دارند. از

این رو معظمه مصلحت را در اعلام تعطیلی جلسه درس تا بعد از ماه مبارک رمضان دیدند و از طرف ایشان اعلام شد. سپس از اعلام تعطیلی، همان عده اعزامی شروع به شعار دادن کردند و آنگاه یکی از آنان سخنانی در رد بیانات حضرت آیتالله العظمی منتظری ایراد نمود که مضمون آن همان مطالب تکراری روزنامهها و جزواتی بود که هر چند گاه تحت عناوین مجعول و توسط بعضی ارگانها در چند سال اخیر منتشر گردیده بود و چیزی جز فحش، تهمت، تحریف سخنان ایشان و... نمی باشد. حدود شش نفر از طلاب حاضر در حسینیه و نیز آقا روح الله نوه معظمه را بازداشت نمودند و البته تا این لحظه افراد بازداشت شده آزاد شدهاند.

آنگاه حدود ساعت ۱۰ شب یکشنبه حمله اصلی آغاز شد. شمع و گسترده‌گی آن در امور زیر خلاصه می‌شود:

۱. بیش از هزار نفر پاسدار و نیروی انتظامی و مأمورین اطلاعاتی را در این حمله وارد نموده بودند.
  ۲. خیابان اصلی ساحلی از پل حجتیه تا پل جدید نیروگاه کاملاً مسدود و در اختیار نیروها قرار گرفته بود.
  ۳. تمام وسائل تخریب و احتیاط از قبیل چندین دستگاه جرقه‌گیر، آتش نشانی و دستگاه جوش و برش آهن وارد صحنه شده بود.
  ۴. حمله با کندن شیروانی‌های پیاده رو حسینیه آغاز شد و سپس سه درب بزرگ که اول و وسط و انتهای کوچه بود از جا کنده شد و آنگاه باشکستن قفلها و تخریب درها حمله به دفتر معظمه و حسینیه شهدا و قسمت مربوط به آرشیو و نیز جمع آوری دفاتر و نامه‌ها و استقتانات و آرشیو نامه‌ها و روزنامه‌ها و بولتن‌ها آغاز شد و هر آنچه در این سه محل بود برده شد و خسارت‌های زیادی وارد گردید. موجودی پولهای و جوهات که حدود یک میلیون و سی صد هزار تومان بود و برای شهریه طلاب آماده شده بود و نیز اکثر وسائل شخصی و غیر شخصی از قبیل ماشینها، کتاب، رادیو، ضبط صوت، جارو برقی، دوربین عکاسی، کاغذ و نیز دستگاه تکثیر نوار و زیراکس دفتر که روزانه توسط آنها نوار و نوشته‌های درسی معظمه تکثیر و در اختیار طلاب گذاشته می‌شد و همچنین آرشیو عکسهائی مربوط به قبل از انقلاب از حضرت امام و فقیه عالیقدر و آلبوم عکسها و مجموعه سخنرانیهای شهید محمد منتظری و وسایل شخصی مربوط به آن شهید بزرگوار و اشیای دیگر و خلاصه هر آنچه در دسترس بود جمع آوری و بعضاً برده و مابقی توقیف شد. همه اینها در غیاب ایشان و بستگان انجام می‌شد و هیچ صورتجلسه‌ای تنظیم نشد و درهای حسینیه و دفتر را پسلب نمودند. یادآوری می‌شود قبل از شروع تهاجم خطوط تلفنی منطقه قطع شد و افراد خانواده‌های مربوط به بیت معظمه و همسایگان ایشان تماماً در محاصره قرار گرفتند و از تردد در کوچه و رفتن به منزل یکدیگر ممنوع شدند، پایان کار حدود ساعت ۳ بعد از نیمه شب بود. پس از انتشار خبر حمله و غارت دفتر و حسینیه معظمه و نگرانی و تنفر شدید عمومی، بسیاری از فضلاء حوزه با تلفن و پیغام احوالپرسی و همدردی می‌نمودند، و از قرار مسموع آقایان آیتالله مومنان و آیتالله محقق داماد در جلسه درس خود این برخورد را محکوم کردند و اظهار تاسف نمودند. به دنبال انتشار این خبر پولهای و جوهات و مقداری از وسائل دفتر و حسینیه برگردانده شد ولی عمده آنها هنوز توقیف است.
- این بود خلاصه وقایعی که این روزها در قم اتفاق افتاد و نسبت به ساحت روحانیت و مرجعیت شیعه اهانت گردید. والسلام علیکم ورحمته الله وبرکاته

دفتر حضرت آیتالله العظمی منتظری

احمد منتظری

پیوست شماره ۲۲۴: متن مصاحبه خبرگزاری جمهوری اسلامی با آقای احمد منتظری فرزند معظمه راجع به هجوم شبانه به بیت فقیه عالیقدر، مورخه ۲۸/۱۱/۷۱

خبرنگار: این روزها بخصوص خارج از کشور صحبت‌های زیادی هست راجع به وضعیت بیت ایشان، وضعیت خود ایشان و صحبت از دستگیری ایشان و احتمالاً دستگیری بستگان ایشان و حتی از علما نزدیک به بیت، محبت بفرمائید ضمن اینکه خودتان را معرفی می‌کنید بفرمائید این قضایا تا چه مقدار حقیقت دارد. مطلبی را که مطرح می‌کنند این است که حاج آقا با اصل نظام و اصل انقلاب مخالف است شماره‌ی این هم صحبت کنید، خیلی تاکید دارند که ایشان با اصل نظام و اصل انقلاب مخالفند.

جواب: بسم الله الرحمن الرحیم، کل صحبت در همین رابطه که ایشان فرمودند پیش آمده است یعنی ایشان صحبت کرده‌اند که در راهپیمایی ۲۲ بهمن حتما شرکت کنید و مردم از انقلاب زده شده‌اند و این به معنی تایید کل نظام است. بعد بقیه صحبت به تبع این پیش آمده است یعنی اصل مطلب این بوده که مردم طرفدار کل نظامند، طرفدار انقلاب هستند، بعد گفتند که بله من هم یک انتقاداتی را که خدمت حضرت امام می‌گفتم دقیقاً در همین رابطه بوده است دلم برای انقلاب می‌سوخته و می‌خواستم انقلاب آبرومند بماند و تا صد سال دیگر در مورد انقلاب قضاوت خویشی نکنند، و گفتند انتقاداتی را که من می‌کردم در همین رابطه بوده است و اگر کسانی انتقاد نمی‌کردند و علیرغم اینکه انتقاد داشتند ساکت می‌مانند آنها اشتباه کرده‌اند. بعد مثال هم که می‌زنند می‌گویند که آیتالله مشکینی آمده بودند پیش من و کلی انتقاد داشتند و می‌گفتند یک جور بی‌حضرت امام بگویند که من گفتم خود شما بگویند، ایشان هم گفتند شما بگویند بهتر است، که من نام پنج صفحه‌ای انتقادی که داشتم نظرانی را که صرفاً نوشته بودم برای حضرت امام آن را برای ایشان خواندم ایشان خیلی خوشحال شدند و گفتند الحمد لله که حرفهای ما را شما زداید. یعنی انتقاداتی بود که همه داشتند منتهی شهامت ایشان بوده که مطرح می‌کرده است و دیگران ساکت بوده‌اند. و ایشان در همان صحبتشان می‌گویند که آنها اشتباه کردند که ساکت بودند و انتقاد را باید گفت چون النصیحه لائمة المسلمین واجب است که انسان نظر اصلاحی خودش را برای امام مسلمین مطرح کند، کل صحبت در تایید نظام بوده است و اینکه نظام را همه قبول دارند و ممکن است به اشخاص کسی ایراد داشته باشد و راهپیمایی بکنید به معنای تایید کل نظام و کل انقلاب. صحبت ایشان هم نوارش وهم پیاده شده‌اش هست در اختیاران قرار گرفته یا خواستید خدمتتان می‌دهیم و همه قضیه این بوده، و این مساله هم که فرمودید در دنیا اخباری منتشر شده که ایشان ضد نظام است و چی شده دستگیر شده‌اند یا... فکر می‌کنم



یک مقدار زیادی یا شاید هم‌ماش بد عمل کردن بعضی باشد که یک چنین صحبتی را تحمل نکنند و بیایند و بجای راه بیندازند بگویند بروید آنجا شعار بدهید و چکار بکنید و حتی درس‌ها تعطیل بکنید و عملاً بفهمانیم که ما اصلاً طاقت شنیدن یک چنین انتقادات سازنده را هم نداریم. همین شعار انقلاب که از اول بود: استقلال، آزادی، جمهوری اسلامی، واقعا اگر کسی مثل ایشان که این همه برای انقلاب زحمت کشیده این قدر آزاد نباشد که بیاید نظرات خودش را سر درس مطرح کند پس آزادی چی هست؟

خبرنگار: پس روی این موضوع کار کنیم که دید ایشان نسبت به مسائل چی هست، آیا ایشان روی چه جنبه‌ای از مسائل انتقاد و یا نظر خاصی دارند، توی صحبت اخیرشان تا آنجا که من شنیدم چیزی را باز نکردند.  
جواب: یک مقدارش در باره زندانیان سیاسی است که بیاید به مردم راست بگویند چرا ما می‌گوییم زندانیان سیاسی نداریم، که ایشان اشاره کردند به بچه‌هایی که قبل از انقلاب و در انقلاب سهیم بودند و زحمت کشیدند و حالا زندان هستند که نمونه‌اش آقای داود کریمی که قبل از انقلاب زندان بود و شکنجه دیده بود و بعد از انقلاب فرمانده سپاه تهران و فرمانده سپاه منطقه ۱۰ بود، آقای محسنی فرمانده لشکر بود اینها به طرفداری از آقای منتظری الان در زندان هستند. خوب با این حال ما بگوییم زندانی سیاسی نداریم. ایشان انتقادشان این است که چرا به مردم راست نمی‌گویند مردم این قدر می‌فهمند که اینها سیاسی اند.

خبرنگار: مواردی که شما افرادی را نام بردید می‌گویند فقط به خاطر اینکه طرفدار حضرت آقا بودند برایشان مشکلی یا محذوری پیش آمد؟

جواب: من اطمینان دارم به این خاطر است و از طرفداران علنی ایشان بوده‌اند یعنی خیلی‌ها طرفدارند و مخفی می‌کنند حالا به چه علت شاید دنبال این هستند که می‌خواهند زندگیشان را هم بکنند، ولی اینها علنی هستند یعنی آخرین جلسه‌ای که ۲۵ رجب که شهادت امام کاظم (ع) بود یک روزی در منزل همین داود کریمی بود که علناً تبلیغ از آقای منتظری می‌کردند، صحبت ایشان را پشت بلندگو گذاشته بودند صحبتی که بعد از درس کرده بودند و خیلی علنی حمایت می‌کردند، به این صورت هست که آن وقت اینها یک تهمتی هم به‌ایشان زده بودند که اینها می‌خواهند مبارزه مسلحانه با نظام بکنند، وقتی که آقای داود کریمی آزاد بود در بولتن سازمان تبلیغات نوشته بودند که گروهی از طرفداران آیت‌الله منتظری معتقد به مبارزه مسلحانه با نظام هستند که خود آقای داود کریمی می‌گفت رفتم پیش آقای محمدی عراقی در سازمان تبلیغات چون قبلاً در سپاه با هم آشنا بودیم و گفتم این چی است که نوشتاید اینکه دروغ است، گفت ایشان هم خیلی ناراحت شد و گفت بله ما تکلیف می‌کنیم، بعد از چند وقت آقای داود کریمی را دستگیر کردند یعنی دقیقاً مشخص بود که این تهمت است کسی که خودش آزاد است و می‌رود و می‌گوید چرا این دروغ را نوشتاید نمی‌شود چنین کسی بخواند مبارزه مسلحانه بکند.

خبرنگار: در صحبتی که اخیراً ایشان داشتند و همین طور فرمایش جنابعالی هم‌ماش اعتقاد ایشان به خود نظام است، آنچه که جز است و شما می‌گویند به خاطر تبلیغش طرفدار آقا را دستگیر کردند که حالا محذوری پیش آمده آن موارد چه هست، یعنی چه چیزی است که به قول خود شما تحملش نکردند یا تحملش مشکل بود؟

جواب: کلاً یک حالتی توی مملکت است که جنابعالی هم می‌دانید مثل اینکه اسم بودن از آیت‌الله منتظری، طرفداری، صحبت کردن و تقلید از ایشان قاچاقی باشد. یک چنین جوی درست شده حالا کسی درست کرده نمی‌دانم ولی یک چنین جوی موجود است که ملموس هست، این آقایان مخالف یک چنین چیزی هستند می‌گویند نه چرا این جو درست شده، این جو کاذب است ما نباید تسلیم یک چنین جوی بشویم، عقیده آزاد است و عقیده داریم که ایشان از طرفداران انقلاب و نظام هستند و مرجع تقلیدمان است می‌خواهیم از ایشان تقلید کنیم آزادانه باید بتوانیم از ایشان تبلیغ و تقلید بکنیم.

خبرنگار: آیا می‌توانیم فرض را بر این بگذاریم که جنابعالی دارید از طرف آقا صحبت می‌کنید؟

جواب: نه البته این جور نیست که من نظرات ایشان را بیرسم بیایم عرض کنم ولی کلاً یک چیزهای واضحی هست که اینها اتفاق افتاد. الان ببینید این جوی که در کل دنیا درست شده تقصیر این بچه‌هاست که در آورده‌اند. من خدمت آیت‌الله مومن بودم ایشان می‌گفت: چند نفر از افراد اداره اطلاعات آمدند پیش من که بله مردم رفتند آنجا حمله کردند، ایشان می‌گفت: گفتم ببین هم شما می‌دانید هم من آنها مردم نبودند مردم که نمی‌آیند از این کارها بکنند. حالا من هم می‌گویم چطور این جمعیت چند ده هزار نفری (شصت هزار نفری یا صد هزار نفری) که در مشهد راه افتادند و آن کارها را کردند از اینها تعبیر می‌شود به اوپاش ولی وقتی چهارصد پانصد نفر راه می‌افتند می‌آیند اینجا اینها را می‌گویند مردم نمی‌شود چهارصد پانصد نفر مردم باشند ولی جمعیت صد هزار نفری بشوند اوپاش. بعداً به دنبالش حتماً خبر دارید که اینجاست یک شب حمله کردند و اصلاً بدون اطلاع یک مرتبه ساعت ده شب خبر شدیم که بله آمدند دارند آهنهای پشت حسینیه را می‌برند یعنی یک گره‌ای که با دست باز می‌شود نه تنها با دندان بارش کنیم سفت ترش هم بکنیم روز روشن می‌آمدند به ایشان می‌گفتند ما اینجا را می‌خواهیم خلوت کنیم راه باز بشود با کمال میل قبول می‌کردند، چنانچه دیوار همین طور بود یک محوطه‌ای اینجا بود که ایشان همیشه می‌گفت من از این دیوار بدم می‌آید اینجا دور ما قلعه درست کردید ما را از مردم جدا کردید، مسلماً ایشان موافقت می‌کردند. آمدند یک چنین برخوردی کردند بعد بدون اینکه به ما بگویند کلید مثلاً در حسینیه را بدهید کلید درب دفتر را بدهید همین طور زدند شکستند. واقعا اگر می‌گفتند که کلید را بدهید ما دو دستی تقدیمشان می‌کردیم.

خبرنگار: صحبت از این است که شاید برخی از نقطه نظرات متفاوت ایشان روی مسائلی است که جنبه اقتصادی دارد یعنی آن

چیزی که دولت در زمینه اقتصادی دارد پیش می‌برد این چیز است که بیرون از کشور زیاد روی این قضیه دارد صحبت می‌شود. یکی هم مساله رشدی را مطرح می‌کنند، و اینکه خود آقا و یا بیت ایشان چه نظری راجع به مسائل اقتصادی مملکت دارند، سیاست‌هایی که دولت در زمینه اقتصادی پیش گرفته جواب: نظر خاصی ندارند یعنی من نشنیدم از ایشان که بر فرض بر یک نرخ شدن ارز ایشان نظر داشته باشند چون نظری از ایشان کسی نخواست که بخواهند نظر بدهند، یعنی واقعا اطلاعی ندارم و من شخصا با ایشان صحبتی نداشتم.

خبرنگار: صحبت دیگری که رویش خبرگزاریها کار کرده‌اند این بدین معنی است که حضرت آقا مخالف این نظر کلی حضرت امام هستند که روشی را مرتد دانستند به خاطر بی‌احترامی که به ساحت رسول الله شده.  
جواب: نه خیر هیچ مخالفتی نبوده از همان وقت من یادم هست که دقیقا نظرشان منطبق است.

خبرنگار: گفتی که از قول ایشان نقل کرده‌اند من این را نشنیدم یعنی ایشان آقایان را غاصب حکومت خوانده‌اند و خودشان را دایم حکومت، این چیزی است که خبرگزاریها رویش زیاد کار کرده‌اند.  
جواب: ایشان در تایید اینکه من دلم برای انقلاب می‌سوزد این را گفته‌اند که من مثل مادر انقلاب هستم چون بیشتر از همه زحمت کشیدم اتفاقا من یادم هست حدود یک سال پیش ایشان به چند نفر از مدرسین حوزه علمیه قم گفتند که ما اینجا می‌خواهیم طلبگی مان را بکنیم آقایان هم حکومتشان را بکنند ما کاری به آنها نداریم، ایشان می‌گفت من از اول گفته بودم که من مقام نمی‌خواهم و حالا هم می‌گویم. هر کس اندک شناختی از ایشان داشته باشد می‌داند که ایشان هیچ وقت دنبال ریاست و قدرت و این چیزها نبوده است.

خبرنگار: در گزارشتی که بوده عدای از منسوبین آقا و یا نزدیکان بیت ایشان را دستگیر کرده‌اند و حتی صحبت از مجروح شدن و حتی کشته شدن عدای است، این قضیه تا چه حدی صحت دارد؟  
جواب: اینجها روز شنبه که درس ایشان بود متاسفانه باز یک مقداری کسانی که یا طلبه‌های مبتنی بودند یا اصلا طلبه نبودند آمدند سر درسی نشستند حدود ۱۰۰ نفر بودند که مشخص شد که اینها می‌خواهند درس را بهم بزنند و اغتشاش کنند، این بود که من خودم شخصا از ایشان اجازه گرفتم که چنین جوی است ممکن است زد و خورد شود، ایشان گفت مصلحت است که درس تعطیل بشود تا جلوگیری از زد و خورد بشود. من خودم شخصا اعلام کردم که تا بعد از ماه مبارک و مسلمان درس ایشان تعطیل است، بعد به دنبال این یکی از آنها می‌آید که آمده بود درس را بهم بزند شروع به صحبت کرد و خیلی تهمت‌های زیاد که حتی ایشان که می‌گویند بچه‌های انقلاب در زندان‌ها منظرورشان مجاهدین خلق و منافقین است، یک چنین تهمت بزرگی، با این حال شاگردان سکوت کردند تا صحبتش را کرد. بعد یکی از شاگردها گفت ما هم حرف نداریم، تا آمد صحبت کند گفتند بزنیدش، شروع کردند به زد و خورد چند نفر اینجا دستگیر شدند حدود ۵ نفر دستگیر شدند که آخرینش امروز ظهر آزاد شد و مجروح کسی نداشتیم و کشته هم نداشتیم.

خبرنگار: از منسوبین خود آقا؟  
جواب: نه ایشان بود که امروز ظهر آزاد شد.

خبرنگار: باز صحبت از این بود که ریخته‌اند منزل آقا را قفل کرده‌اند عرض بکنم یا حصری یا محنوری برای ایشان فراهم شد یا نامها و بولتن‌هایی را که در دفتر بوده برداشته.  
جواب: بله این چیزی که من داشتم عرض می‌کردم شاید دنبال خدمتتان عرض می‌کردم که صحبت قطع شد شب یکشنبه آمدند با اینکه کلید داشتیم و آماده بودیم که هر وقت گفتند کلید به آنها بدهیم همان طور درب را شکسته بودند و رفته بودند بدون هیچ صورت جلسهای. من قبل از انقلاب یادم هست که بالاخره می‌آمدند خانه و بازرسی می‌کردند با حضور صاحب خانه می‌آمدند می‌گفتند این کتابها چند جلد کتاب چقدر پول، چقدر اسناد، صورت جلسه می‌کردند و از طرف امضا می‌گرفتند. اینجا بدون اینکه ما حضور داشته باشیم و صورت جلسهای تنظیم بشود یک مقدار زیادی پول بود برای شهریه طلاب آماده شده بود، یک مقدار پول نماز و روزهای استیجاری و چیزهای دیگر، کتاب، کامپیوتر، جاروبرقی، چیزهایی که هیچ ربطی نه به سیاست دارد و نه به هیچ چیز دیگر خیلی از اموال شخصی بود، خیلی مربوط به دفتر بود بدون هیچ صورت جلسهای بردند و حسینه را که مرکز درس ایشان بود و همیشه روضه اینجا برگزار می‌شد پلمب کردند که به همین صورت هست که امیدوارم زودتر آزاد بشود که درست نیست حسینه در این موقعیت پلمب باشد. ما وینوکلوب درست می‌کنیم برای جوانان و یک تبلیغ هم می‌کنیم حالا در حسینه را ببندیم صورت درستی به نظر نمی‌رسد، و اینها بدون تنظیم هیچ صورت جلسهای اینها را برداشتن بردند و یک مقداری از آنها را پس دادند ظرف دیروز و امروز، مثلا این آب سرد کن که بیرون دیدید در پیاده رو این را نصف شب آمدند گذاشتند چون تحویل نگرفته بودند که حالا بخواهند تحویل بدهند همین طور گذاشته و رفته‌اند، کامپیوتر هست و چیزهای دیگر که هنوز پیش آنهاست، بیشتر آنچه که برداشته هنوز نیابده‌اند ولی یک مقدار از کاسه‌های سفید بود برداشته و امروز آورده‌اند، این چیزهایی که اصلا بمنظر نمی‌رسد به چه علتی برداشته.

خبرنگار: صحبت از این است که ایشان را ملزم به تغییر منزل کرده‌اند.  
جواب: تاخیر هیچ نبوده.

خبرنگار: ما در منزل قدیمی‌شان خدمت شما رسیدیم همین‌طور است؟  
جواب: اینجا محل ملاقاتهای ایشان است و آن شب هم به منزل ایشان هیچ کاری نداشتند.

خبرنگار: الان وضعیت مزاجی آقا چطور است؟  
جواب: الحمدلله خوب است. همان شب هم من تا دیدم مشغولند و خیلی سرو صداهای زیادی می‌آمد من رفتم خدمت ایشان گفتم نکنند از نظر روحی ناراحت بشوند دیدم نه الحمدلله عین خیالشان نیست و مشغول نوشتن درس بودند.

خبرنگار: صحبت از مناققین کردید من حالا جسارتاً عرض می‌کنم باز یکی از محورهای تبلیغاتی که روی این قضیه دارد صورت می‌گیرد اینکه قضیه مهدی هاشمی و باند مهدی هاشمی اینها را به اصطلاح احیا بکنند و یا اینکه بیایند دوباره در ذهنها مطرح بکنند به هر شکلی که هنوز عوامل این چنین و یا از مناققین و اینها به بیت آقا یا دفتر ایشان رفت و آمد دارند و این را خود شما به چه شکل می‌دانید؟

جواب: اصلاً باندی نیست که حالا بخواهد اینجا رفت و آمدی داشته باشد. برادر مهدی هاشمی که داماد ایشان است با این حال شاید حدود سه سال است که پایش را در دفتر نگذاشته است و هیچ رفت و آمدی ندارد چه رسد به غریبه‌ها، این باند مهدی هاشمی کلاً یک لولویی است که درست کرده‌اند، مهدی هاشمی خودش سال ۶۶ اعدام شده و رفته است چند وقت یکبار مثل سریال تکراری می‌آورند مهدی هاشمی را که یادش زنده باشد ولی واقعیتی ندارد. عرض می‌کنم برادرش داماد ایشان است رفت و آمد ندارد وای به حال کسانی که غریبه‌اند.

خبرنگار: عرض کنم محور تبلیغاتی است که رسانه‌های بیگانه دارند مطرح می‌کنند و الا ما که ارادت‌مان به حضرتعالی و حضرت آقا هست. باز من این موارد را مطرح می‌کنم و بیشتر روی اینها می‌خواهم نظراتان را بدانم، پیرامون که آیا ایشان نظر خاصی روی تحولات فرهنگی جامعه دارند؟ ببینید یک سری گشایش‌ها یک سری رفع محذوراتی یا یک دیدگاهی روی مسائل فرهنگی کشور هست مثلاً همین ویدئو کلیپها و آزاد کردن همین ویدئو یا یک مقدار اجازه دادن به نشر بعضی کتب و نشریات که ضاله هم نیستند برای گشایش فرهنگی است، نظر خاصی ایشان دارند؟

جواب: راجع به این موارد صحبت نشده ولی کلاً ایشان نسبت به آزادی مطبوعات شدیداً معتقدند همه آزاد باشند نظرات مخالف گفته بشود جوابی اگر هست باز داده بشود تا باعث پیشرفت بشود، و اگر بنا باشد هیچ کس چیزی نگوید و یک تعداد بخصوص بگویند این درجا زدن است و پیشرفتی حاصل نمی‌شود. پیشرفت آن وقتی است که نظرات مخالف گفته بشود آن وقت خود بخود جواب داده می‌شود، باز دوباره جواب آن جوابها داده می‌شود و دانما در حال پیشرفت باشد، و کلاً معتقد به آزادی عقیده و آزادی مطبوعات و آزادی نشر کتاب هستند.

خبرنگار: در باره فعالیت‌های دیپلماسی و فعال کردن دیپلماسی کشور آقا نظر خاصی دارند، محدودیت یا محنویت یا فرض بفرمائید تنگتر شود قضایا یا خیر؟

جواب: خدمت ایشان صحبت خاصی نشده است ولی از اول یادم هست وقتی که انقلاب تازه پیروز شده بود ایشان خودشان می‌گفتند من خدمت امام رسیدم در قم یعنی همین منزل رو بروی همین جا که مرحوم امام ساکن بودند، ایشان گفته بودند بله انقلاب که پیروز شده رسم این است که یک هیاتهای حسن نیت می‌فرستند کشورهای مخصوصاً همسایه که بله این انقلاب پیروز شده و ما با شما هیچ دشمنی نداریم می‌خواهیم با هم زندگی کنیم و میهمان جدید شما هستیم و هیئت‌های حسن نیت بروند همه جا مخصوصاً کشورهای همسایه، که ایشان می‌گفتند من هر چه اصرار کردم حضرت امام قبول نکردند حالا به چه علت من نمی‌دانم. من می‌دانم که ایشان نسبت به فعالیت دیپلماسی کاملاً نظر مثبت دارند ولی جدیداً هیچ صحبتی نشده است.

خبرنگار: یک مقدار راجع به برنامه‌های آقا بفرمائید که برنامه‌های آقا به چه شکل است؟ جواب: ایشان عمده وقتشان صرف کارهای علمی می‌شود، یعنی ایشان تحقیقاتشان را که می‌کنند خود بخود روی کاغذ می‌آورند که هر وقت خدمتشان می‌رسم در حال نوشتن هستند، تحقیقاتی که می‌کنند، درسی که ایشان می‌فرمایند خوب درس بالای حوزه است، نوشته‌های ایشان پلی‌کپی می‌شود و اول درس داده می‌شود و این از امسال شروع شد و خیلی مورد استقبال طلاب واقع شد، و عمده کارشان همین است تحقیق علمی و تدریس و بعداً نشر یک چنین تحقیقاتی به صورت کتاب. حتی کتابهایشان را خودشان تصحیح می‌کنند که اگر تجدید نظری دارند تصحیح بکنند. خلاصه بیشتر کارهای علمی و فرهنگی.

خبرنگار: شکافی بین جناحهای مختلف در ایران ذکر کرده‌اند، نظر شما چیست؟  
جواب: ما از آنجا خبر نداریم که بین مسئولین نظام چه خبر است.

خبرنگار: شکافی که بین جناح چپ است در حقیقت جناح چپ می‌خواهد یک بهره‌ای بگیرد و یا مسائل را می‌خواهد به سمت خاصی که مورد نظر است هدایت بکنند.

جواب: من خبر ندارم ولی اگر این‌طور باشد که خیلی بد است یعنی مسئولین رده بالای نظام باید اشراف‌سی داشته باشند که این کار انجام بشود یا نشود، و واقعا اگر خبر داشته باشند (من نمی‌دانم من یقین ندارم که خبر داشته باشند) خوب خیلی چیز بدی است اینجا بگیر و بزن و ببند و بسبر بدون هیچ حساب و کتابی، و اگر هم خبر نداشته باشند باز چه بدتر، یعنی من الان هیچ

نمی‌دانم که چه خبر است و بین جناحهای مختلفچی می‌گذرد اطلاعی ندارم.

خبرنگار: ایشان اصرار دارند همچنان درسشان را ادامه دهند؟

جواب: بله دقیقاً همین طور است و در همین درس ایشان به مناسبت ۲۲ بهمن صحبت کردند و شاید شش ماه یک بار اشارهای می‌کنند به چیزهایی که احساس وظیفه می‌کنند، مواردی که مربوط به سیاست جهانی و یا مسائل داخلی مملکت باشد و واقعا اگر اینها تحمل می‌شدنشان قدرت و عظمت نظام بود که نظام این قدر قوی است که هر نظر به فرض مخالفی را هم قبول می‌کنند و با روی باز قبول می‌کند. نه این‌که بیاییم این قدر مخالفت کنیم با یک نظری که داده می‌شود و حساسیت نشان بدهیم و افراد را تحریک کنیم مثلاً همین کاری که شد ساعت ۱۰ شب آمدند تا ۲۳ بعد از نیمه شب نمی‌شود گفت که اینها بی‌اجازه آمدند، و همه از سپاه بود، از اطلاعات بود، از جاهای دیگر بودند بالاخره ارگانهای این نظام بودند و این متأسفانه نشانه این است که ما هیچ تحمل نظر مخالف را نداریم و اگر آن جور می‌شد خیلی بهتر بود که ما این قدر حکومتان قوی است، نظامان قوی است که هر نظر مخالفی که باشد با کمال میل می‌پذیریم، و یک چنین برخوردی را می‌بینید در روزنامه‌ها هر مخالفتی که با ایشان باشد با آب و تاب می‌نویسند و آزاد آزاد هستند درحالی که اینها جواب دارد یک شهروند معمولی جمهوری اسلامی هم حق دارد از خودش دفاع کند یک وقتی که یک تهمتی به او می‌زنند بیاید جواب بدهد، و ایشان این شخصیتی که حق بزرگی به این نظام دارند و الان هم مویده هستند در همین پیامشان دقیقاً هست که از اصل انقلاب هیچ کس سرد نشده در راهپیمائی شرکت کنید که موجب تقویت نظام بشود با این حال یک چنین کسی حق خودش نداشته باشد که وقتی یک تهمت در روزنامه بسایشان می‌زنند بتواند بیاید در روزنامه جواب بدهد و جواب هم دارند بدهند ولی فعلاً متأسفانه حق دفاع از خودشان را ندارند، این موجب تأسف است.

خبرنگار: ایشان چند تا شاگرد دارند؟

جواب: حدود هزار تا، از این اورتی که تکثیر می‌کنیم مشخص می‌شود. حدود هزار باید باشد.

خبرنگار: خیلی تشکر می‌کنم اگر جسارتی نیست ما عکسی هم از ایشان داشته باشیم اگر امکان داشته باشد.  
جواب: من عرض می‌کنم به ایشان.

خبرنگار: چند ثانیه‌ای زیارتی داشته باشیم و اجازه اگر بدهند عکسی داشته باشیم. جواب: ایشان سنوال و جواب که صبح عرض کردم قبول نکردند.

خبرنگار: صحبت اصلاً نمی‌خواهیم بکنیم فقط یک ملاقات.

جواب: ایشان فرمودند من صحبتی داشتم کردم و صحبتی دیگر ندارم.

خبرنگار: ملاحظه کردید که حجم زیادی تحلیل ما دریافت کردیم از خارج از کشور.

جواب: واقعا اگر بزرگوارانه برخورد می‌شد با این صحبتها، پیش نمی‌آمد که آنها یک چنین تحلیلهایی بخواهند بکنند. والسلام علی عبادالله الصالحین و رحمته و برکاته

پیوست شماره ۲۲۵: نامه حجج‌الاسلام احمد منتظری به آیت‌الله مومن، مورخه ۷۱/۱۲/۱۰

بسم الله الرحمن الرحيم

مدیریت محترم حوزه علمیه قم حضرت آیت‌الله جناب آقای مومن دام تبرکاته

پس از سلام و آرزوی موفقیت برای حضرتعالی، چنانچه استحضار دارید پس از حمله به حسینیه شهدا و دفتر حضرت آیت‌الله العظمی منتظری و محل آرشیو نامه‌ها و بولتن‌ها و شکستن درها و بردن اشیا زیادی از سه محل نامبرده در نیمه شب یکشنبه ۷۱/۱۱/۲۵ توسط مأمورین رسمی اداره اطلاعات و سپاه قم، حق شرعی و قانونی ما بود که به مرجعی قانونی شکایت کرده و لاقبل خواهان استرداد اموال و اسباب و اثاثیه و جبران خسارات وارده گردیم اموالی را که شبانه و بدون ارائه هیچ حکمی و تنظیم صورت جلسهای غارت کرده و با خود برده بودند اما به دو دلیل از آن منصرف شدیم:

۱ با توجه به تقبیح این کار نا شایست توسط بسیاری از علما و شخصیتها و ملت عزیز هرکس که در جریان قرار گرفت فکر می‌کردیم چندان جبران آن برآیند و لاقبل هرچه زودتر اموال را مسترد گردانند و خسارات وارده را جبران نمایند.

۲ امیدی به اینکه شکایت مفید فایده باشد نداشتیم، و اصلاً معلوم نیست چه کسی یا ارگانی باید جوابگوی این مسائل باشد.

اما چون جنابعالی خود مسأله را پیگیری فرمودید صلاح در آن دیده شد که لیست اسباب و اثاثیه و لوازمی که هنوز بدون هیچ علت و دلیلی عودت داده نشده است به اطلاع رسانده شود، که خود این لیست حکایت از ناشایست بودن عمل می‌نماید، عملی که از نظر شریعت مقدس اسلام حتی در مورد اهل ذمه توجیه نمی‌شود چه رسد به یک مسلمان و یک عالم اسلامی و یک مرجع تقلید و استاد اکثر مسئولین مهم مملکتی.

لیست وسائل مربوط به حسینیه و دفتر که هنوز عودت داده نشده است:

۱ نسخه اصلی کتب فقهی و ترجمه‌های ولایت‌فقیه

۲ نوارهای سخنرانی و مذاحی ایام عزاداری در حسینیه شهدا

- ۳ یک دستگاه کامپیوتر و پرینتر مربوطه (حاری دروس فقهی فقیه‌عالیقدر )  
 ۴ یک دستگاه تایپ  
 ۵ یک عدد نوار برگردان ویدئو  
 ۶ یک عدد هدفون  
 ۷ دو عدد پروژکتور  
 ۸ سه عدد دوربین فیلمبرداری  
 ۹ دو دستگاه ویدئو  
 ۱۰ پنج عدد ضبط صوت  
 ۱۱ یک عدد نوار پاک کن کاست  
 ۱۲ چند عدد میکروفون کوچک و بزرگ  
 ۱۳ یک دستگاه تلکس فارسی  
 ۱۴ چهار عدد مهر مربوط به دفتر و رونوشت تعدادی از نامه‌های ارسالی دفتر  
 ۱۵ تعدادی قبض و جوهات  
 ۱۶ تعدادی چک بدون تاریخ و...  
 ۱۷ آرشیو دفتر ( مشتمل بر نامه‌ها و مجلات و روزنامه‌ها و بولتن‌های سالهای گذشته ) ۱۸ تعدادی نوار مستعمل امانتی طلاب  
 جهت ضبط دروس فقهی  
 ۱۹ دو دستگاه زیراکس  
 ۲۰ دو عدد گوشی تلفن کوچک  
 ۲۱ پنج عدد گوشی تلفن معمولی  
 ۲۲ یک عدد رادیو  
 ۲۳ یک عدد تلویزیون  
 ۲۴ شش توپ پارچه مخصوص پلاکارد  
 ۲۵ چند سری لامپ چراغانی  
 ۲۶ چند عدد کلید مینیاتوری برق  
 ۲۷ مقداری لوازم یدکی ماشین  
 ۲۸ یک عدد ساعت دیواری  
 ۲۹ یک عدد وضوخانه بزرگ  
 ۳۰ کلیه شیروانی‌ها و آهن آلات و قسمه‌های کفش و ... مربوط به حسینیه و دفتر ۳۱ کلیه اتومبیل‌های مورد استفاده فقیه‌عالیقدر  
 و دفتر معظله  
 (لازم به ذکر است که اتومبیل‌های فوق با اصرار مسئولین حفاظتی در اختیار ایشان گذاشته شده بود و همچنین سه روز پس از این  
 عملیات از طرف یگان حفاظت سپاه قم اتومبیل مربوط به ایشان عودت داده شد که ایشان فرمودند به هیچ وجه اتومبیل دولتی قبول  
 نخواهم کرد .)  
 ۳۲ چهار عدد درب چوبی آنقدر ناجور شکسته شده که شکسته شده آن را بردارند ولی تکه‌های آن موجود است، و همچنین دهها  
 قفل درب که را به گونه‌ای شکستماند که به هیچ وجه قابل استفاده نمی‌باشد .  
 لیست وسایل مربوط به خانواده شهید محمد منتظری که هنوز عودت داده نشده است :  
 ۱ حدود صد عدد نوار سخنرانی از شهید محمد منتظری  
 ۲ تعدادی نوار مصاحبه‌های شخصیتها راجع به شهید محمد منتظری  
 ۳ یک عدد نوار ویدئو از شهید محمد منتظری  
 ۴ بیانیها و مصاحبه‌ها و ... شهید محمد منتظری راجع به دولت موقت و ...  
 ۵ پاسپورت شهید محمد منتظری به اضافه دفترچه تلفن و یادداشتهای شخصی و ...  
 ۶ تعداد زیادی عکسهای مختلف حضرت امام (مربوط به قبل از انقلاب)  
 ۷ تعداد زیادی عکسهای مختلف فقیه‌عالیقدر (مربوط به قبل از انقلاب)  
 ۸ چند حلقه فیلم از حضرت امام در پاریس و نجف  
 لیست اموال شخصی که هنوز عودت داده نشده است:  
 ۱ یک عدد سکه بهار آزادی  
 ۲ یک عدد ساعت رومیزی  
 ۳ یک دستگاه تلفن بی‌سیم  
 ۴ نوارهای دروس حوزه و متفرقه  
 ۵ نوارهای سخنرانی و مصاحبه حضرت امام و فقیه‌عالیقدر (قبل از انقلاب)  
 ۶ یک عدد ضبط صوت کوچک  
 ۷ یک عدد ماشین اصلاح  
 ۸ دفترچه شخصی تلفن

- ۹ دو عدد تابلو نقاشی  
 بجاست لیست مواردی که برده شده و عودت داده شده است نیز آورده شود تا بهتر به نحوه عمل آقایان واقف شوید:  
 ۱ حدود یک میلیون و چهارصد هزار تومان پول نقد  
 ۲ یک دستگاه موتور برق  
 ۳ سه عدد جاروی برقی  
 ۴ مقداری لوازم یدکی ماشین و آچارجات و...  
 ۵ یک عدد ماشین اصلاح  
 ۶ چند عدد گوشی تلفن  
 ۷ یک عدد کمد بایگانی  
 ۸ آلبومهای عکس شهید محمد منتظری و...  
 ۹ تعدادی پوستر از شهید محمد منتظری  
 ۱۰ یک عدد دوربین عکاسی  
 ۱۱ یک عدد موتور سیکلت  
 ۱۲ مقداری پارچه و کاغذ سفید  
 ۱۳ یک عدد منبع آب  
 ۱۴ مقداری لوازم تلفن  
 ۱۵ یک ساک محتوی البسه و چتر و...

هفتم رمضان المبارک مطابق با ۷۱/۱۲/۱۰  
 دفتر حضرت آیتالله العظمی منتظری  
 احمد منتظری

پیوست شماره ۲۲۶: نامه حجبالاسلام احمد منتظری به حجبالاسلام والمسلمین هاشمی رفسنجانی، مورخه ۱۳۷۲/۱/۵

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

ریاست محترم جمهوری اسلامی ایران، حضرت حجبالاسلام والمسلمین جناب آقای هاشمی رفسنجانی  
 پس از سلام و عرض تبریک به مناسبت عید سعید فطر و حلول سال نو و آرزوی موفقیت و سلامت برای جنابعالی،  
 پیرامون حوادث اخیر قم و تعرض به حریم یکی از استوانه‌های انقلاب اسلامی و مرجعیت تقلید لازم دانستم مصدع اوقات  
 شریف شوم که بنابر نص قرآن کریم: لا یحب الله الجهر بالجور من القول الا من ظلم  
 از آن زمان که به یاد دارم والد معظم را به جرم دفاع از حریم اسلام و قرآن و ارزشهای الهی: آزادی، عدالت، استقلال و  
 حق جونی، در تبعید وزندان و شکنجه و فشار و رنج دیدم راهی که برادر شهید محمد فرزند اسلام و قرآن جان شریفش را بر سر آن  
 نهاد. پیروزی انقلاب اسلامی و استقرار جمهوری اسلامی به رهبری حضرت امام خمینی رضوان الله تعالی علیه را  
 پایان شب تیره مرارت و رنج فقیه عالیقدر و دیگر مبارزان اسلام می دانستم، چرا که به پشتیبانی بی دریغ مردم رشید ایران و تقدیم  
 هزاران شهید برای اعتلای کرامت انسانی و پیاده کردن تعالیم حقه قرآنی نظامی شکل گرفت که نوید بخش آزادی، عدالت،  
 استقلال و مسعونیّت بود. اهداف عالی اسلام عزیز در قالب قانون اساسی و با رای قاطبه مردم مبنای حکومت قرار گرفت و  
 حکومت عدل امیرالمومنین علی (ع) که عنوان الگوی نظام نوای اسلامی معرفی شد، نقش و شخصیت و عملکرد حضرت آیتالله  
 العظمی منتظری در همه این مراحل روشن تر از آن است که محتاج به تذکر باشد.

ایشان پس از پیروزی انقلاب اسلامی همواره همچون ناصحی دلسوز و مشاوری بصیر پشت سر امام راحل (ره) به اداره  
 امور پرداخت و همواره کوشید چهره مقدس رهبری انقلاب مصون از کمترین آسیب و آفتی باشد و هرگز مصلحت اندیشیهای  
 دنیوی او را از نصیحت لاتمهالمسلمین باز نداشته است. این نصایح و انتقادهای دلسوزانه که جلوه بارز وظیفه شناسی یک عالم  
 بصیر به زمان است همیشه از سوی تازه بدوران رسیده‌ها به عنوان ضدیت با نظام و انقلاب معرفی شده و می‌شود.  
 فقیه عالیقدر اگر چه پس از ارتحال امام راحل (ره) کمر بسیاری مسائل برای حفظ وحدت و صیانت از کیان نظام نوپای  
 اسلامی سکوت کرده اما همواره در مسائل مهم و محوری و حفظ حقوق اساسی و آزادیهای شرعی و قانونی آرا خود را تقدیم  
 خادمان انقلاب و نظام نموده است. بساعت کمال تأسف است که هم و غم بعضی اشخاص و ارگانهایی که می‌بایست امنیت جامعه  
 را حفظ کنند صرف بدبین کردن مردم و مسئولین نظام به فقیه عالیقدر می‌شود و روزنامه‌های نیمه دولتی بر خلاف نظر قانون و شرع  
 ناخواندانه اتهامات ناروا می‌زنند و در مقابل از درج کمترین دفاع از ایشان طفره می‌روند.  
 جناب آقای رئیس‌جمهور، آیا معنای آزادی و حفظ حیثیت و آبرو و امنیت اجتماعی مصرح در قانون اساسی و شرع همین  
 همین است: برخورداری شخصیت‌های اصلی انقلاب که به دلیل اختلاف سلیقه با مدیریت جامعه در کنار هستند از  
 حداقل حقوق انسانی، معیار و محک سلامت و بزرگواری حکومت‌های انقلابی است. امیدوارم که جمهوری اسلامی و به ویژه دولت  
 حضرتعالی از این امتحان الهی سربلند بیرون آیند.

پس از این مقدمه نسبتاً طولانی با توجه به اینکه جنابعالی در سفر اخیرتان به قم با فرستادن هیاتی نزد حضرت آیتالله  
 العظمی منتظری اظهار محبت فرمودید و نشان دادید که هنوز سوابق طولانی خود را با ایشان از یاد نبرده‌اید لازم می‌دانم حوادث  
 اخیر شهر مقدس قم را فهرست وار برای جنابعالی گزارش نمایم:

۱ در تاریخ ۲۱ بهمن ماه ۱۳۷۱ حضرت آیتالله العظمی منتظری پس از درس خارج فقه جهت تشویق حاضرین به شرکت در

راهپیمائی ۲۲ بهمن مطالبی را ایراد فرمودند و در ضمن این مساله را یاد آور شدند که خودشان هیچ‌گاه به انقلاب اسلامی و اهداف عالیه آن پشت‌نکرده‌اند، و تمامی صحبت‌های ایشان تا پایان در تاکید همین مطلب و ذکر دلایلی شاهد بر این امر و چند جمله هم در دفاع از خودشان در قبالاتها و تهمت‌های وارده بوده است که لابد در جریان آن هستید.

۲ پس از درس که خدمت ایشان رسیدیم و نظر مشورتی عدای از دوستان و شاگردان معظمه را با ایشان در میان گذاشتیم بنا شد که نوارسخنرانی به هیچکس داده نشود و فرمودند داعی بر پخش آن نداریم، اما وقتی عدای نامشخص متن تحریف شده سخنان ایشان را همراه تهمت و افترا و دروغ پخش نمودند و عدای را تحریک کردند تا در مقابل بیت ایشان شعارهای اهانت‌آمیز بدهند ایشان فرمودند حال کتحریف شده صحبت مرا پخش کردند صحیح آن را در اختیار مردم قرار دهید، این بود که نوار پیاده شد و در اختیار طالبین قرار گرفت.

۳ روز شنبه ۷۱/۱۱/۲۴ عدای معلوم‌الحال با آوردن عدای از طلاب مبتدی در جلسه درس ایشان اغتشاش نمود و درگیری بوجود آوردند که منجر به دستگیری تعدادی از شاگردان معظمه گردید، و در ساعت ۱۰ شب حملهای توسط بیش از هزار نفر مامورین رسمی اطلاعاتی و نظامی به دفتر و حسینیه شهدا انجام شد که شرح آن در اطلاعیه دفتر معظمه مورخه ۷۱/۱۱/۲۸ منعکس گردیده که به پیوست تقدیم می‌شود.

حملهای که با محاصره خیابانها و کوچه‌های اطراف همراه بود و موجب رعب و وحشت اهالی منطقه گردید و به عنوان مثال همسر دوستقدیمی و برادرخوانده جنابعالی مرحوم آیتالله رسانی‌املسی همین که به خشونت مامورین اعتراض کرد مورد تعرض قرار گرفت و غش کرد ویسی هوش شد و چون تلفن‌های منطقه را هم قطع کرده بودند امکان استمداد از اورژانس وجود نداشت.

۴ در تاریخ ۷۱/۱۱/۲۸ از خبرگزاری جمهوری اسلامی تماس گرفتند و تقاضای مصاحبه با معظمه را نمودند که ایشان قبول نکردند. وقتی این مطلب را به خبرگزاری منتقل نمودیم اصرار کردند که حتما مصاحبه‌ای انجام شود و دلیل آنها این بود که در تمام دنیا علیه ایران تبلیغاتی به راه افتاده و بسیار گسترده است و دانما هم مشغول هستند و خلاصه علیه کل نظام و انقلاب اسلامی تبلیغات می‌کنند، به همین دلیل بود که قرار شد این مصاحبه با اینجانب انجام شود که البته در انعکاس آن بسیار کم لطفی شد و مقدار زیادی هم با تحریف و تکذیب روبرو گردید.

۵ در پی نفرت عمومی از تعرض به مقام مرجعیت و همدردی بسیاری از علما و طبقات مختلف مردم با ایشان، مهاجمین با اشاعه اکاذیب و شایعات به توجیه اعمال ناشایست خود دست زدند و شایعات بی‌اساسی را به صورت خبر نقل می‌کردند، این بود که لیست اموال و اثاثیه غارت‌شده را منتشر نمودیم که این نامه نیز به پیوست تقدیم می‌شود. لازم به تذکر است که هیچ یک از موارد مذکور در نامه فوق هنوز مسترد نگردیده است.

در اینجا لازم می‌دانم این اطمینان را بدهم که شایعات مذکور کاملاً خلاف واقع و کذب محض است، البته آرشو دفتر را نیز برده‌اند که طبعاً از هر اعلامیه و اطلاعیه و بولتن ممکن است یک برگ در آن موجود باشد که این مساله با مسالهای که آقایان درست کرده‌اند تفاوت بسیار دارد. حال جای این سوال است که جنابعالی به عنوان رئیس‌جمهوری اسلامی چه اقدامی برای جبران این بی‌عدالتی‌های آشکار و چه تضمینی برای پیشگیری از اقدامات مشابه نموده‌اید؟ اطمینان دارم که جنابعالی از این‌گونه اقدامات ناشایست راضی نیستید اما آیا سکوت شما در برابر کسانی که می‌کوشند به هر قیمتی که شده فقیه‌عالیقدر را مخالف نظام و انقلاب جلوه دهند به صلاح جمهوری اسلامی است؟ چنانچه در مقابل این اعمال ناشایست سکوت نماید نقطه سیاهی بر تارک نظام جمهوری اسلامی می‌ماند که در قضاوت آیندگان تأثیری بس نامطلوب خواهد داشت. آیا سزاوار است نسبت به یادگارهای شهید بزرگوار اسلام محمد منتظری این‌گونه برخورد شود و حتی وسایل شخصی ایشان از قبیل پاسپورت، کارت شناسایی، نوارهای سخنرانی و دست نوشته‌های او را به غارت ببرند؟ آیا احترام به خانواده شهدا به همین معنی است؟ آیا در کجای دنیا به این صورت عمل می‌شود که کاری ناشایست با این ابعاد انجام شود و هیچکس حاضر نباشد مسئولیت آن را به عهده‌گیرد، در حالی که در موقع ضبط اموال و اثاثیه دفتر و حسینیه شهدا نیروهای عمل‌کننده از یکدیگر سبقت می‌گرفتند.

اگر چنین حمله و غارتی در رژیم سابق به بیت یک مرجع تقلید انجام می‌شد جنابعالی چه کسی را مقصر می‌دانستید؟ مامورین یا مسئولین مملکتی را؟

و بالاخره وقتی فقیه‌عالیقدر با آن همه سوابقی که شما خود بر آن واقفید حق دفاع از خود را نداشته باشد و انتقادات او تحمل نشود و رفتاری این‌گونه نسبت به ایشان و بیتشان انجام گیرد، چگونه از آزادی که رکن اصیل انقلاب است سخن گفته می‌شود؟ توفیق شما را در پیاده کردن اهداف عالیه انقلاب اسلامی یعنی عدالت، آزادی و استقلال و عمل به قانون‌اساسی که چکیده موازین شرع انوراست از خدای بزرگ مسئلت می‌نمایم بوالسلام علیکم ورحماتله و برکاته

۱۳۷۲/۱/۵

احمد منتظری

پیوست شماره ۲۲۷: جوابیه دفتر معظمه به نوشته‌جات هفت‌نامه کیهان هوایی  
بسمه تعالی

جریده محترم کیهان هوایی

پس از سلام در شماره ۱۰۲۲ مورخ ۱۲ اسفند ۱۳۷۱ در صفحه ۴ آن جریده مطالبی تحت عنوان "آقای منتظری: خبر دستگیری مرا غریبه‌وار دشمنان انقلاب منتشر کرده‌اند" آمده است که سراسر کذب و خلاف واقع می‌باشد. اولاً مصاحبه خبرگزاری جمهوری اسلامی با حضرت آیتالله العظمی منتظری نبوده بلکه با اینجانب احمد منتظری فرزند ایشان بوده است ثانیاً در هیچیک از عبارات نقل شده از مصاحبه حتی یک جمله صحیح و مطابق با واقع یافت نمی‌شود، لذا

خواهشمند است طبق قانون مطبوعات این تکذیب نامه را در اولین شماره و در همان صفحه و ستون عینا درج فرمائید. جای بسی تأسف است که مصاحبه خبرگزاری رسمی کشور در هیچیک از جراید داخلی منتشر نمی‌شود و در جریدهای که مخاطب آن فارسی‌زبانان خارج از کشورند نیز اینگونه تحریف شده منعکس می‌گردد. ای کاش مطبوعات ما با انعکاس اخبار واقعی، قضاوت و تحلیل را به عهده مردم رشید و فهیم ایران می‌گذاشتند.

ضمنا متن کامل مصاحبه به پیوست ارسال می‌شود تا با چاپ آن رعایت عدل و انصاف و لااقل بی‌طرفی خود را ثابت نمائید.

والسلام.

۷۱/۱۲/۱۳

احمد منتظری

رونوشت به خبرگزاری جمهوری اسلامی و روزنامه‌های کثیرالانتشار کشور

پیوست شماره ۲۲۸: جوابیه دفتر معظمه به نوشته‌های هفتنامه کیهان هوایی  
بسمه تعالی

جریده محترم کیهان هوایی

پس از سلام پیرو تکذیبیه مورخ ۷۱/۱۲/۱۳ و جوابیه مورخ ۷۱/۱۲/۲۶ آن جریده خواهشمند است طبق قانون مطبوعات این توضیحات را در اولین شماره خود درج فرمائید:

۱- نوشته‌های: هیچگونه توضیحی در باره دلایل کذب و خلاف واقع بودن خبر کیهان هوایی ارائه نشده است. قابل ذکر است که آن جریده مطالبی را به حضرت آیت‌الله العظمی منتظری نسبت داده است و من منکر ابراز چنین مطالبی از سوی ایشان شدم. کمترین آشنائی با موازین فقهی و حقوقی نشان می‌دهد که شما مدعی هستید و من منکر و اقامه بینه و دلیل بر عهده مدعی است که نه ارائه کرده‌اید و نه توان ارائه آن را دارید. مقایسه گزارش کیهان هوایی با متن کامل مصاحبه بهترین دلیل برخلاف واقع بودن گزارش آن جریده است. متن کامل مصاحبه را چاپ کنید و قضاوت را به مردم واگذارید.

۲- نوشته‌های: متن مصاحبه در دفتر نشریه موجود بوده و نیازی به ارسال آن نبوده است. جای بسی تأسف است که علیرغم علم به واقع خلاف واقع نوشته‌های: اگر حقیقت را نمی‌دانستید چهل داشتید و کارتان شاید قابل توجیه بود اما اینکه با دانستن حقیقت خلاف آن را نوشته‌اید به هیچوجه قابل توجیه نیست.

۳- نوشته‌های: تکذیبیه در آخرین ساعات روز شنبه ۷۱/۱۲/۱۵ واصل شد. حال آنکه تکذیبیه مذکور بعد از ظهر ۷۱/۱۲/۱۳ به دفتر شما فاکس گردید، حال از این اتاق به آن اتاق دو روز طول کشیده است. مسئله داخلی خودتان است.

۴- نوشته‌های: هجوم در کار نبوده بلکه ورود به محوطه دفتر توسط نیروهای دادگاه ویژه روحانیت و با حکم رسمی از این نهاد قضایی صورت گرفت.

اولا: اگر حکم داشتند چرا ارائه نکردند؟

ثانیا: آیا ورود رسمی نیاز به محاصره شبانه دفتر و انسداد خیابانهای اطراف و قطع تلفن منطقه وسیعی از شهر قم و بکارگیری بیش از هزار نفر مأمور رسمی اطلاعاتی و نظامی و انتظامی دارد؟ ثالثا: اگر حکم داشتند چرا برای توقیف وسائل و اموال دفتر با حضور مسئولین دفتر صورت جلسه تشکیل ندادند؟

رابعا: ورود رسمی با ارائه حکم و گرفتن کلید به سادگی میسر بود اما شکستن درها و قفلها با لگد و دیلم و دلسر با هجوم سازگار است. فقط اینقدر بدانید که تعداد چهار درب را طوری شکستند که آنها را با خود بردند و تکه‌های آن در دفتر موجود است. خامسا: قباحات تعرض به بیت مرجعیت در قم به حدی بوده است که تاکنون هیچیک از نهادهای قسانونی مملکت مسئولیت آن را رسماً بعهده نگرفته است.

خوشحالیم که بالاخره یکی از مطبوعات دولتی مسئول حوادث اخیر قم را معرفی کرد هرچند برای فارسی‌زبانان خارج از کشور. آیا شهروندان ایرانی برای شنیدن رخدادهای کشورشان نامحرمند؟

بار دیگر بر رسالت مطبوعات یعنی انعکاس صحیح اخبار تاکید می‌کنم و این توصیه خیرخواهانه را می‌نمایم که شایسته بود به جای پرآشفتن و اشکال به این و آن، اشکال خود را برطرف می‌کردید.

آیینه چون نقش تو بنمود راست خود شکن آیینه شکن خطاست

۷۲/۱/۴

احمد منتظری

رونوشت: خبرگزاری جمهوری اسلامی و روزنامه‌های کثیرالانتشار کشور

پیوست شماره ۲۲۹: جوابیه دفتر معظمه به نوشته‌های هفتنامه کیهان هوایی  
بسمه تعالی

جریده کیهان هوایی

با سلام، ضمن ابراز تأسف و اعتراض به عدم درج تکذیبیه مورخ ۷۲/۱/۴ اینجانب که خلاف نص قانون مطبوعات است، پیرو مطالب مندرج در صفحه شماره ۱۲۰۵ مورخ ۷۲/۱/۱۸ آن جریده طبق قانون مطبوعات تکذیبیه ذیل را در اولین شماره خود درج نمائید:

۱- مدعی شده‌اید که: "از سوی سازمان خبرگزاری جمهوری اسلامی تایید شد که مصاحبه با شخص آقای منتظری به مدت



جلود نیمساعت و در منزل ایشان صورت گرفته و اسنادی مانند نوار مصاحبه و عکسهای مربوط به آن در آرشیو خبرگزاری موجود است.

مطلب فوق کذب محض است. حضرت آیتالله العظمی منتظری مصاحبه با خبرگزاری جمهوری اسلامی را نپذیرفتند و با اصرار آنها مصاحبه با اینجانب احمد منتظری فرزند ایشان انجام شد. نوار مصاحبه موجود است و به پیوست ارسال می شود. گرچه ممکن است در جواب بنویسید که نوار در دفتر نشریه موجود بوده و نیاز به ارسال مجدد نبوده است. شما در شماره ۱۰۲۴ مورخ ۷۱/۱۲/۲۶ جرسیده خودتان نوشتید: "اگرچه آقای احمد منتظری متن کامل مصاحبه خود با خبرگزاری جمهوری اسلامی را برای کیهان هوانی ارسال داشتند اما به دلیل موجود بودن آن در نشریه این کار لزومی نداشته" از آنجا که دروغگو که حافظه است فراموش کرده‌اید که قبلاً اقرار نموده بودید که مصاحبه خبرگزاری با اینجانب را در اختیار دارید. در انتهای همین مصاحبه که متن پیاده شده آن در اختیار بسیاری از جمله شما و تمامی مطبوعات کشور است ذکر شده که حضرت آیتالله العظمی منتظری حاضر به مصاحبه نشده‌اند و فقط خبرنگاران چند دقیقی با ایشان ملاقات داشتند حتی اجازه ندادند عکسی گرفته شود. پس از این ملاقات خبرنگاران در جلسه درس ایشان (بحث اصول کافی) حاضر شدند و چند عکس از ایشان در جلسه درس گرفتند و پس از آن هم در نماز جماعت مغرب و عشا چند عکس گرفته شد. جای بسی تاسف است که روزنامه‌های دولتی نسبت به خبرگزاری رسمی کشور چنین ادعای کذبی را می‌کند و توسط سازمان خبرگزاری جوابی داده نمی‌شود. حال چنانچه صلاح نمی‌دانید و یا اجازه ندارید که متن مصاحبه را چاپ کنید لااقل متن ۲۶ سوال مطرح شده توسط خبرگزاری را بنویسید تا معلوم شود خطاب به اینجانب و یا خطاب به والد معظم بوده است. اگر باز هم اصرار دارید که مصاحبه با ایشان بوده است هر چه زودتر نوار آن را پخش نمائید.

۲ از قول آقای حسینیان مدعی شده‌اید که: "برخلاف ادعای آقای احمد منتظری حکم مزبور به ایشان ارانه شد اما وی با توهین و..."

این مطالب هم مشتمل بر چند کذب است:

اولاً: در آن شب حادثه همین که اینجانب از آن مطلع شدم در کوچه حاضر شدم اولین چیزی که مشاهده کردم آتش دستگاه برش بود که از زیر درب سر کوچه به داخل می‌آمد، نه قبل از آن و نه بعد از آن توسط هیچکس نه حکمی ارانه شد و نه مطالبه کلید گردید. ثانیا: هیچیک از اعضا دفتر معظمه نیز در آن ساعت شب در دفتر حضور نداشتند تا بخواهند برخورد مودبانه یا غیر مودبانه داشته باشند.

ثالثاً: در مورد دو منزلی که ادعا شده اعضا دفتر از آنها به عنوان خانه امن استفاده می‌کردند فقط اینقدر بگویم که دو منزلی یکی از آنها در اجاره دفتر است و روزانه صدها نفر مراجعه کننده جهت انجام امور شرعیه دارد و دیگری آسایشگاه پاسداران می‌باشد، و قسمتی از آن هم محل آرشیو نامها و بولتن‌هاست. معنی خانه امن هم معلوم شد.

رابعاً: در مورد این ادعا که تعداد پنج کامیونت اطلاعاتیه کشف شده است باید این نکته را یاد آور شوم که آرشیو دفتر مانند بسیاری آرشیوها شامل نامها، تلگرافات، بولتن‌ها، مجلات، روزنامه‌ها، و اطلاعاتیه‌هایی است که ظرف ۱۴ سال پس از پیروزی انقلاب جمع‌آوری شده است و همچنین نوارهای سخنرانی و نوشته‌های مرحوم شهید محمد منتظری و چنین آرشیوی به خودی خود گنجینه ارزشمندی برای کشور و انقلاب محسوب می‌شد که آقایان با شکستن دربها و قفلها آنها را مانند سنگ و آجر بار کرده‌اند و با خود برده‌اند و نه تنها این مجموعه ارزشمند را متلاشی کرده‌اند بلکه از آن وسیله‌ای ساخته‌اند برای تهمت و افترا که چون کاغذ و نوشته‌جات است پس اطلاعاتیه است و توهین آمیز به ساحت حضرت امام (ره) هم هست.

اینجانب با اطمینان کامل خاطر نشان می‌سازم که چنانچه طبع آرشیو همین است که ممکن است در آن از هر بولتن و نشریه و اطلاعاتیه یکبرگ وجود داشته باشد اما به صورت متعدد هرگز نبوده است. البته بر خلاف سیره عقلاً هیچگونه صورت جلسهای در این مورد تنظیم نشد و بنابراین زمینه جعل و تهمت و افترا موجود است که نه تنها ۵ کامیونت بلکه ۵ تریلی و یا ۵ کشتی و امثال ذلک هم گفته شود. در ضمن لیست کامل اموال غارت شده به پیوست ارسال می‌شود. این نکته هم لازم به تذکر است که برخلاف ادعای آقایان منزل آقای سعید منتظری اصلاً بازرسی نشد و تنها محلی که با ارانه حکم و تنظیم صورت جلسه بازرسی شد منزل آقای سید هادی هاشمی بود که صورت جلسه امضا شده آن موجود است و تمام اشیا ضبط شده داخل یک کارتن برده شده است نه کامیونت.

خامساً: تمام این عملیات و هجوم به دفتر و حسینیه را آقای حسینیان یک بازرسی خوانده است. این چه نوع بازرسی است که نیاز به قطع تلفن منطقه وسیعی از شهر قم داشت و بیش از هزار عدد نیرو در آن دخالت داشتند؟ این چه نوع بازرسی است که چنان رعب و وحشت در بین اهالی منطقه ایجاد کرد که به عنوان مثال همسر مرحوم آیتالله ربانی‌املشی همین که به خشونت مامورین اعتراض کرد چنان مورد تعرض قرار گرفت که غش کرد و بیهوش شد و به دلیل قطع تلفن امکان استمداد از اورژانس وجود نداشت و تا ساعت ۲/۵ بعد از نیمه شب هم اجازه ندادند او را از منزل بیرون ببریم؟

در پایان دوستانه به شما عرض می‌کنم که برای سعادت دنیا و آخرت همیشه این ندای ملکوتی و جان فرای قرآن کریم "ان الله لا یهدی من هو کاذب کفار" و همچنین این سخن عارفانه و حکیمانه امام‌احمد حلال‌قدس‌سره الشریف را که "عالم محضر خداست در محضر خدا معصیت نکنید" مد نظر داشته باشید. والسلام.

۷۲/۱/۱۸

احمد منتظری

پیوست شماره ۲۳۰: جوابیه دفتر معظمه به نوشته‌جات خبرنگار سازمان تبلیغات